



عصر

روزنامه تجاری اقتصادی
سه شنبه
۱۴۰۳ آذر ۱۰
۸ جمادی الثانی ۱۴۴۶
۱۰ December 2024
۸ صفحه پنج هزار تومان سال سوم شماره چهارصد و هشتاد و چهار
www.asrghanoon.ir

خدا حافظی قالیباف با طعم وفاق

قالیباف از هیات امنای دانشگاه تهران برکنار شد

حسین سیمایی صراف، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری و رئیس هیات امنای دانشگاه تهران با صدور احکامی جداگانه محمدرضا عارف، محمود نیلی احمدآبادی، فرهاد رهبر، عبدالناصر همتی، عباس مصلی نژاد و حمیدرضا حاجی بابایی را به مدت چهار سال به عنوان اعضای دوره نهم هیات امنای دانشگاه تهران منصوب کرد. آذر سال ۱۴۰۰ زلفی گل، وزیر علوم سابق در حکمی علیرضا زاکانی و محمدباقر قالیباف را به عنوان عضو هیات امنای دانشگاه تهران در دوره هشتم معرفی کرده بود. که در دولت وفاق رئیس مجلس و شهردار تهران در دوره نهم برکنار شدند.



گفتمان انقلاب و طرح مفهومی شکست



تاریخ مقدس حکایت از آن دارد که خداوند برای بهترین بندگان و برگزیدگان خود نیز فتح و ظفر مداوم را مقدر نساخته، البته که وعده او درباره پیروزی نهایی تغلف ناپذیر است.

۲

چرا به سوریه رفتیم؟ چرا مجدداً نرفتیم؟



حمایت ایران از دولت سوریه را باید متناسب با شرایط امروز میدان تحلیل کرد و از قضاوت‌های تک خطی و ساده سازی‌های گزاره‌ای پرهیز کرد.

۲

درباره سوریه



سوال اینکه با کنار رفتن حکومت بشار چه اندازه از این آورده‌های مهم مبارزه با استکبار بعد از جنگ در سوریه را از دست داده‌ایم؟

۲

علوم شناختی طرحی برای احیای علوم انسانی است



دستاورد دیگر علوم شناختی برای علوم سیاسی آن است که اساساً این علوم برای فهم حقیقت‌طلبی کمک می‌کنند؛ این حقیقت‌طلبی در مطالعات انقلاب اسلامی اهمیت اساسی دارد در حالی که علوم رفتاری صرفاً به محرک‌ها و تربیت توجه دارد.

۳

نظام ما و تجربه تلخ اسد



اگر جامعه نتواند با مقاومت، نسبت معنوی و هویتی بیابد و مقاومت به گفتمان اجتماعی تبدیل نشود، دشواری‌های معیشتی و روزمره، اراده‌ها را خواهد فرسود و جامعه را خسته و ناهمخوان و چندتکه خواهد کرد.

۳

بازیکنان تراکتور با قلبشان بازی کردند



بازیکنان امروز با قلبشان بازی کردند و همیشه نمی‌شود با تاکتیک پیروز شد و گاهی باید با جان و دل کار کرد.

۸



گفتمان انقلاب و طرح مفهومی شکست

سجاد صفارهرندی

به نظر می‌رسد گفتمان انقلاب از فقدان طرحی مفهومی برای شکست رنج می‌برد. گرچه در منطق متعالی دینی به معنای واقعی «بچه شیعه باخت نمی‌دهد» و ما به شرط ایفای تکلیف چه ببریم چه بازیم برنده‌ایم، اما در چارچوب مناسبات این دنیایی کردار مقاومت همچون هر کردار بزرگ اجتماعی دیگری ناگزیر از پیروزی‌ها و شکست‌هاست.

تاریخ مقدس حکایت از آن دارد که خداوند برای بهترین بندگانش و برگزیدگان خود نیز فتح و ظفر مداوم را مقدر نساخته، البته که وعده او درباره پیروزی نهایی تخلف ناپذیر است. پس اگر وقوع شکست در مراحل حرکت ناگزیر باشد، داشتن طرحی مفهومی از شکست نیز لازم است.

در فقدان این امر از پی و وقوع هر شکست دو واکنش عمده حاصل می‌شود. صدایی شکست را همچون رسیدن به خط پایان و بن‌بست مطلق معرفی می‌کند و از آن بطلان هدف و مسیر را نتیجه می‌گیرد.

در مقابل و احتمالاً در واکنشی پیش‌دستانه، صدایی از اساس وقوع شکست را انکار کرده و حتی روایت ظفرمندان از آن ارائه می‌دهد.

لازم است با فرآوری از این دوگانه ناراس و انسدادآور امکانی برای هضم و شناسایی شکست بیابیم. شکست - آنچنان که در متن تجربه یکی از تلخ‌ترین‌هایش در غائله اخیر شام هستیم - پایان راه نیست. تجارب دور و نزدیک تاریخی ما و دیگران حکایت از آن دارد که شکست‌هایی حتی سهمگین و بزرگ چگونه زمینه‌ساز خیزش‌های دوران‌ساز شده‌اند. در عین حال، شرط چنین بهره‌ای آن است که شکست را همچون شکست به رسمیت بشناسیم، با عقل سرد و بدون هیجان و عاطفه به آن چشم بدوزیم و در اسباب و علل آن بیاندیشیم.

هزینه و جنگ؛ پیروزی و شکست!

علیرضا زاهدی

نه جای توجیه دارد و نه سرزنش. جنگ است، جنگ! یک روی پیروزی دارد و روی دیگر شکست. از سال ۲۰۱۷ با آزادسازی حلب روی پیروزی با شما بود و این حد فاصل دشمن رها نکرد. خانه نشین نشد به موازات شکستی که متحمل شده بودند خودشان را بازسازی کردند برای زمان مناسب که حالا آن زمان مناسب اقدام فرار رسیده بود. نظم جدید.

اما راهبرد ما "هزینه دادن" برای تامین امنیت خودمان و منطقه در کنار مرزهای اسرائیل بود تا هزینه چند برابری در مرزهای خودمان نپردازیم. تا جنگ به کرمانشاه و همدان و تهران نرسد. اگر الان خوش خیال و خام اندیش باشیم که دوران "هزینه دادن" تمام شد، ناچاریم به هزینه‌های بزرگتر فکر کنیم. اساساً گمان غلطی است تامین امنیت و استقلال بدون پرداخت هزینه، مساله بر سر کیفیت و میزان هزینه است. همانطور که ترکیه، روسیه، آمریکا، قطر و سعودی در ۱۴ سال هزینه دادند. برای ما دیروز با هزینه کمتری می‌شد به اهداف رسید و امروز با هزینه بیشتری! و مقصود از هزینه فقط پول نیست.

سوریه بر این مدار نخواهد ماند. همه بازیگران پیروز و شکست خورده سوریه از امروز درگیر یک فرآیند سخت سیاسی خواهند شد. تنها در صورتی که نتوانند سوریه را به چند خودمختاری تبدیل کنند نظم جدید مدنظرشان شکل خواهد گرفت. شکست رخ داد ولی نظم جدید مستقر نشده است راه برهم زدن شکل میگیرد. زمان و اقدام درست آینده را روشن می‌سازد. آنها را نمی‌کنند.

خطر از دست رفتن امنیت در جامعه سوریه وجود دارد

حسین اکبری



حسین اکبری سفیر ایران در دمشق گفت: جریانی که اکنون وارد میدان شده و قصد حکومت دارد، با یک تغییر رویکرد جدی مواجه است. پیش‌تر با جریانی به نام داعش روبه‌رو بودیم که هدف اصلی‌اش تخریب، نابودی، انتقام‌گیری، قتل عام، و ایجاد وحشت بود. اما اکنون این جریان وارد مرحله جدیدی شده است. در این مرحله جدید، تصمیم گرفته است حکومت کند و طبیعتاً برای تحقق این هدف باید ابزارها و امکانات لازم را در دنیای امروز فراهم کند.

برای درک بهتر این موضوع می‌توان به تجربه طالبان اشاره کرد که از یک طالبان قدیمی به یک طالبان جدید تحول یافت. بنابراین، پیش‌بینی من این بود که در این حادثه، سه گروه وارد میدان خواهند شد. گروه اول، جریان‌های اغتشاشگر هستند که هدفشان سرعت، تخریب، و غارت است. این گروه‌ها معمولاً زودتر از سایرین وارد عمل می‌شوند و در دمشق نیز اولین اقدام‌ها را انجام دادند.

گروه دوم، جریان‌های امنیتی هستند که توسط رژیم صهیونیستی هدایت می‌شوند. این جریان‌ها با ترور نخبگان، به آتش کشیدن کتابخانه‌ها، و سایر جنایات تاریخی، از فضای آشوب بهره‌برداری کرده و اقدامات خود را انجام می‌دهند.

گروه سوم، جریانی است که قصد حکومت دارد. این جریان به دمشق رسید و اعلام کرد که یگانی نظامی بزرگ را در

پایتخت مستقر کرده است تا امنیت مراکز دولتی و اماکن دیپلماتیک را تأمین کند. این اعلام حضور نشان می‌دهد که تا این لحظه آن‌ها در چنین موقعیتی حضور نداشته‌اند و این اقدام کاملاً در راستای پیش‌بینی‌هایمان بوده است. از آنجا که این جریان تصمیم به حکومت گرفته است و تجربه‌های گذشته را نیز پشت سر گذاشته، بعید است که به اقلیت‌ها، حرم‌ها، یا مراکز دولتی حمله کند. چراکه این اماکن به نوعی سرمایه و دارایی آن‌ها محسوب می‌شود و هیچ حکومتی اموال خود را تخریب نمی‌کند، مگر گروه‌هایی که به دنبال شورش، اغتشاش، یا واکنش‌های هیجانی و احساسی هستند. متأسفانه، چنین رفتارهایی در برخی استان‌ها بیشتر مشاهده شده است، اما تدابیر لازم برای حفظ امکانات، ابزارها، افراد، و حتی اسناد و مدارک به موقع اندیشیده شده بود. به گونه‌ای که دیپلمات‌های ما توانستند از مرز سوریه عبور کنند، چرا که پیش‌بینی حوادث کاملاً صورت گرفته بود.

اگرچه برخی ساختمان‌ها از دست رفتند و جنایاتی رخ داد، اما جریان حاکم این اقدامات را به‌عنوان یک امتیاز برای خود نمی‌بیند. به نظر من، این جریان ناچار خواهد بود با این آشوب‌ها مقابله کند، اما این روند به سرعت به نتیجه نمی‌رسد. ما باید در آینده نیز شاهد چنین مسائلی باشیم.

نگرانی اصلی من وضعیت مردم سوریه است. این مردم صاحبان اصلی سرزمین، حکومت، و آینده این جغرافیا هستند. با توجه به شرایط کنونی، تنوع اندیشه‌ها، و دخالت‌های متعدد کشورهای مختلف، خطر از دست رفتن امنیت در این جامعه وجود دارد. امنیت، یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های سوریه، حتی با وجود فشارهای اقتصادی، مشکلات معیشتی، و حملات مکرر رژیم صهیونیستی، همچنان برای مردم قابل‌لمس بود. اما بیم آن می‌رود که این دخالت‌ها و تعدد جریان‌ها، این نعمت را از جامعه سلب کند. امیدواریم خداوند کمک کند تا این مردم بتوانند از نعمت امنیت بهره‌مند شوند و بر مشکلات غلبه کنند.

درباره سوریه

علی‌مهدیان



بشار اسد کنار رفت، تحریر الشام قدرت را در دست گرفت. این اتفاق یعنی ایران حضورش و ابتکار عملش در سوریه تحت الشعاع قرار می‌گیرد. این اتفاق به نفع ایران نیست. اما چند سوال:

اولاً کنار رفتن بشار اسد یک دلیلش ارتش ضعیف و منفعل بود، سوال این است آیا بدنه مردمی سوریه هم مثل ارتش خسته و منفعل شده‌اند؟ یا اینکه مردم با لاقول گروه‌هایی در

سوریه همراه جبهه مقاومتند؟ برای پاسخ به این پرسش به این نکته بیندیشید که آیا مقاومت سوریه تا امروز در اصل محصول ارتش کشور بوده یا مردم؟ آیا موفقیت‌های سوریه در مقابل تکفیر داعشی محصول قدرت نظامی روسیه و ایران بوده یا اولاً مردم سوریه؟ اگر بگوییم مردم سوریه اساساً حال مقاومت ندارند و منفعلند، آنچه ایران از دست داده در حد زمین است ولو به لحاظ جغرافیا مهم، نه حلقه‌ای از حلقات مقاومت، اگر بگویید مردم سوریه با جریانات و گروه‌هایی در آن، در وضعیت مقاومت قرار دارند، این حقیقت از دست نرفته و هنوز هم حضور دارد و طبیعتاً کنشگری خواهد کرد. حقیقت مقاومت قبل از آنکه پدیده‌ای نظامی و سیاسی باشد یک حقیقت مردمی است. تحلیل جنگ بدون این ریشه اصلی خطا است.

سوال دوم آنچه ایران در داستان جنگ با داعش به دست آورد چه بود و امروز چه مقدار از آن از دست رفته؟

یک اینکه مقاومت یک حلقه آتشین منسجم جبهه‌ای حول اسرائیل نبود و الان هست، اینکه از بین نرفته؛ دو اینکه قدرت ایمانی و سپس نظامی هر حلقه مقاومت در این حد نبود که اسرائیل هیچ کدام را حتی حماس در محاصره کامل را نتوانسته نابود کند و بنای پذیرش این واقعیت را دارد؛

سه اینکه پدیده داعش با تحریر الشام متفاوت است، آن امتی بود این ملی، آن تکفیری بود این عملگرا، آن سلاحش خوف بود این تزویر، داعش نابود شد و هنوز سر بر نیاورده؛ چهار اینکه اسرائیل آن روز با امروز به لحاظ وضعیت درونی و مشروعیت جهانی و ضعف در چنین حال و روز و در لبه پرتگاه سقوط کامل نبود. اینها محصول جنگ با داعش

چرا به سوریه رفتیم؟ چرا مجدد رفتیم؟

محسن مهدیان

این روزها یک سوال خیلی در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌شود و آن اینکه چرا ایران در فتنه اخیر سوریه حضور نداشت؟ و حالا با سقوط سوریه همان سوال تبدیل به یک قضاوت نادرست شده و اینکه عدم دخالت ایران باعث پیروزی تروریست‌ها شده است. اجازه دهید سوال را دقیق کنیم. چرا جمهوری اسلامی سال‌ها پیش در سوریه ورود نظامی کرد و چرا امروز ورود نکرد؟

این سوال مبتنی بر یک فرض غلط است و آن اینکه ایران در فتنه اخیر کنار سوریه نبوده است. بله این حضور شبیه گذشته نبود. اما جمهوری اسلامی حاضر بود. به سه دلیل روشن.

۱. همچنان نیروهای نظامی ما در میدان سوریه بودند. اتفاقاً در سطح فرماندهی نیز حضور داشتند. نمونه‌اش شهادت سردار پورهایمی.

۲. اینکه در سطح سیاسی توسط وزیر خارجه و نماینده ویژه رهبری پیام ویژه حمایت به اسد داده شد.

۳. اینکه در سطح دیپلماتیک، دولت ایران برای حل مساله سوریه با دیگر کشورها وارد گفت‌وگو شده است.

پس ایران از سوریه حمایت کرد. هرچند این حمایت شبیه گذشته نبود. اما چرا تغییر کرد؟ برای پاسخ به چرایی این تفاوت دو موضوع باید حل و فصل شود.

۱. چرا جمهوری اسلامی در گذشته به سوریه ورود کرد و چه دستاوردی داشت؟

۲. اینکه در این دوره چه اتفاقی افتاد و چه تفاوتی حاصل شد که نحوه حمایت تغییر کرد؟

محکمت حضور ایران در گذشته برآمده از چند اصل راهبردی بود.

۱. اصل حمایت از مقاومت؛

۲. خواست مردم؛

۳. خواست دولت و ارتش سوریه؛

۴. امنیت داخلی ایران؛

۵. دفاع از حریم شریف.

ایران با حضور در سوریه کمک کرد محور مقاومت تقویت شود. ثمره آن حضور را این روزها در منطقه شاهدیم. بی‌آبرو شدن رژیم صهیونیستی به شکلی که خودشان اعتراف می‌کنند که ماه‌ها برای حفظ موجودیت‌شان جنگیدند و با دست خالی از همه اهداف اولیه مجبور به آتش بس شدند. واقعیت این است که امروز جبهه مقاومت در اوج بلوغ و قدرت است و هر روز نیز تقویت می‌شود. نمونه‌اش نیز عملیات تاریخی طوفان الاقصی حماس و مقاومت تماشایی حزب الله، خلاصه اینکه امروز مقاومت مثل گذشته نیست و روی پای خودش است و البته مسیر حمایت جمهوری اسلامی از محور مقاومت نیز صرفاً متوقف به سوریه نیست.

مگر حمایت ایران از یمن از مسیر سوریه است؟ همچنین خواست دولت و ارتش و حمایت مردم سوریه از ورود جمهوری اسلامی است. این بخش به غایت با اهمیت است.

این بود که اگر در سوریه با داعش نمی‌جنگیدیم باید در تهران با این تروریست‌ها روبرو می‌شدیم. امروز از داعش جاهلی خبری نیست. نه از حیث تهدید مرزهای ایران و نه اقدامات تکفیری در حریم شریف. این به معنای ارتقای تروریست نیست، بلکه به معنای تغییر سیاست‌های اوست چون به حمایت مردم سوریه و نظام بین الملل نیاز دارد. هر چند ایران همچنان در میان مدت باید از حیث امنیتی به حضور تروریست‌ها با چشم تهدید نگاه کند اما در هر صورت میدان در سوریه تغییر کرده است. با این توضیح تغییر مدل حمایت ایران در فتنه اخیر روشن می‌شود؛ مجدد به همان محکمت رجوع کنیم.

از محکمت جمهوری اسلامی اینست که سرنوشت هر کشوری را خود مردم تعیین می‌کنند. در دور اخیر نه دولت سوریه درخواستی برای حضور ایران داشت، نه ارتش بنای مقاومت و ایستادگی و نه بخش قابل‌اعتنایی از مردم به این دولت و ارتش دل بسته بودند که همچنان از ماندگاری آنها حمایت کنند. اینکه چرا اسد و دولت و ارتش به اینجا رسیدند بماند بعد، اما اجمالاً این شرایط منطبق با گذشته نبود و طبیعی است که سیاست جمهوری اسلامی تغییر می‌کند. مگر ممکن است دولتی نخواهد و ارتش بنای مقاومت نداشته باشد و یک کشور دیگر ورود مستقیم کند؟

این حتماً عبور از محکمت مردم سالارانه جمهوری اسلامی است. خلاصه اینکه حمایت ایران از دولت سوریه را باید متناسب با شرایط امروز میدان تحلیل کرد و از قضاوت‌های تک خطی و ساده‌سازی‌های گزاره‌ای پرهیز کرد.

محکمت جمهوری اسلامی اینست که سرنوشت هر کشوری را خود مردم تعیین می‌کنند. در دور اخیر نه دولت سوریه درخواستی برای حضور ایران داشت، نه ارتش بنای مقاومت و ایستادگی و نه بخش قابل‌اعتنایی از مردم به این دولت و ارتش دل بسته بودند که همچنان از ماندگاری آنها حمایت کنند. اینکه چرا اسد و دولت و ارتش به اینجا رسیدند بماند بعد، اما اجمالاً این شرایط منطبق با گذشته نبود و طبیعی است که سیاست جمهوری اسلامی تغییر می‌کند. مگر ممکن است دولتی نخواهد و ارتش بنای مقاومت نداشته باشد و یک کشور دیگر ورود مستقیم کند؟ این حتماً عبور از محکمت مردم سالارانه جمهوری اسلامی است. خلاصه اینکه حمایت ایران از دولت سوریه را باید متناسب با شرایط امروز میدان تحلیل کرد و از قضاوت‌های تک خطی و ساده‌سازی‌های گزاره‌ای پرهیز کرد.

اسد؛ قهرمان یا ضد قهرمان



شده در لبنان با دیوید دوچ، عامل منطقه‌ای سیا بیشتر به چشم آمد.

اما سوریه برای ایران چند نقش راهبردی ایفا کرد. نخست اینکه اگرچه اسرائیل از سالهای دورتر به منافع ایران صدمه زده، در روزهای پیروزی انقلاب اسلامی اصلی‌ترین حامی سلطنت طلبان بود و بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی دشمنی خود را آغاز کرد، اما با ایران به اندازه دو کشور فاصله داشت؛ در حالی که به دلیل هم مرزی با مناطق اشغالی، سوریه خط مقدم نبرد با اسرائیل بود. دیگر آنکه سوریه اصلی‌ترین راه ایران برای حمایت از شیعیان لبنان بود که در معرض قتل عام قرار داشتند. سوم با توجه به حضور سوریه در فضای رسانه‌ای اعراب، سوریه نقش مهمی در شکستن جوسازی صدام و متحدانش علیه ایران داشت و در مجامع منطقه‌ای و بین‌المللی حامی ایران بود. این نکات در سالهای بعد هم امتداد یافت تا جایی که در روزهای تاخت و تاز داعش که هدف آتی خود را ایران اعلام کرده بود، سوریه با اعلام درخواست رسمی ایران برای کمک، نقطه دفاع ما از کشور خودمان هم بود.

با این حال، این همکاری‌ها هیچ وقت مانع واقع‌نگری نشد، چنانکه بسیاری از کمک‌های ایران به حزب‌الله لبنان با اصل مخفی‌کاری از سوریه انجام می‌شد. حتی در مواردی ایران به سوریه هشدارهای شدید داد، آنچنان که در هنگام کشتار حما، امام خمینی به حافظ اسد هشدار تندی داد. بهمین ۱۳۶۰ بود که اخوان المسلمین سوریه علیه حافظ اسد در شهر حما اقدام به شورش کرد و حافظ اسد برای سرکوب این قیام اقدام به کشتار هزاران نفر کرد. توقف این کشتار اندکی پس از هشدار امام خمینی رخ داد. از همان تاریخ خاندان اسد معارضان اخوانی را که قصد براندازی داشتند، در محدودیت شدید قرار داد و بسیاری از آنها را به زندان انداخت. از همین رو بود که برخی جریان‌های عربی همچون «حماس» که ریشه اخوانی دارند، برغم مواضع ضدصهیونی اسد پدر و پسر، به دلیل کشتار هم حزبی‌های سوری خود از آنها کینه به دل داشتند.

آخرین نکته: بسیاری از تصویرسازی‌های امروز حاصل بزرگنمایی‌های دشمنان در روایت روزگار بشار اسد و پدرش می‌باشد و آمیخته به دروغ است؛ بدون ارزیابی آن رانید یزیریم.

یکی از اشتباه‌های رایج، خواندن موضوعات در کلیشه ذهنی خود است. تصویری که در ذهن بسیاری از ما از اسد وجود دارد، در چارچوب پارادایم ذهنی خودمان است نه واقعیت‌ها.

نخست باید دقت کرد که ائتلاف یعنی امکان همکاری پیرامون وجوه مشترک در عین پذیرش وجود اختلافات است. اگر چنین نباشد که وحدت رخ خواهد داد و نه ائتلاف. حضور بشار اسد در ائتلاف ضداسرائیلی شبیه ما بود. به همین دلیل او از ۱۷ اکتبر به بعد، ترجیح داد به وعده‌های امارات و ... برای بازسازی سوریه، عدم تمدید تحریم‌ها و ... دل ببندد و در معادلات جدید محور مقاومت نقشی ایفا نکند. موضوعی که موجب انذار رهبری در دهم خرداد سال جاری شد که «غربی‌ها و دنباله‌های آنها در منطقه ... قصد دارند با شیوه‌های دیگر و از جمله وعده‌هایی که هیچگاه به آنها عمل نخواهند کرد، سوریه را از معادلات منطقه خارج کنند.»

اگر بخواهیم به ادراک واقعی از بشار اسد برسیم، اینکه چقدر از سخنان امروز علیه او درست است و چرا ایران با چنین شخصی در ائتلاف بود، باید کمی به عقب باز گردیم. حزب عربی سوسیالیستی بعث سال ۱۳۲۶ به رهبری میشل عفلق، صلاح‌الدین البیطار و زکی ارسوزی در سوریه تأسیس شد. این حزب پس از ۱۶ سال در سال ۱۳۴۲ در سوریه با کودتا به قدرت رسید. حافظ اسد، پدر بشار اسد و دوستانش در ۱۳۴۴ کودتای دیگری علیه جناح سنتی حزب ترتیب دادند و پیرو ارسوزی شدند ولی صدام شاخه عراقی حزب را تأسیس کرد و پیرو عفلق شد. حافظ اسد در آبان ۱۳۴۹ برای بار سوم کودتا کرد و اول نخست وزیر شد و در اسفند همان سال خود را رئیس‌جمهور سوریه اعلام کرد که این مقام حدود ۳۰ سال طول کشید. این مسیر برای رقیب حزبیش در عراق کمی بیشتر طول کشید و صدام حسین تیر ۱۳۵۷ رئیس‌جمهور عراق شد. از این زمان اختلاف بین شاخه‌های سوریه و عراق حزب نیز اوج گرفت؛ دو حزب در سوریه و عراق با نام و ایدئولوژی یکسان، فعالیت‌های موازی اما خصمانه داشتند. همین تخاصم موجب شد حافظ اسد در جریان جنگ تحمیلی، تنها رئیس‌جمهور عربی حامی ایران بود و به ارسال کمک‌های نظامی به ایران اقدام می‌کرد.

از طرفی چون از خرداد ۱۳۴۶ بلندی‌های جولان که بخشی از خاک سوریه است، در اشغال اسرائیل بود و جامعه سوریه با خاطرات تجاوزات اسرائیل، روح ضد صهیونیستی داشت؛ نقطه اشتراک دوم جمهوری اسلامی با حکومت وقت سوریه در تقابل با اسرائیل بود، اما در عمل این تقابل متفاوت بود. تا آنجا که سال ۱۳۶۱ هنگام اعزام لشکر ۲۷ برای دفاع از لبنان، سرداران سپاه از بازی دادن آنها توسط حزب حاکم سوریه و عدم اجازه برای اقدام علیه اسرائیل به شدت عصبانی شدند. این موضوع در ماجرای رودست خوردن از حافظ اسد در تبادل ۴ دیپلمات ایرانی به اسارت گرفته



دست‌های پنهان آمریکا و ناتو در سوریه

سید عطاءالله مهاجرانی

آنچه در سوریه می‌گذرد؛ فراتر از استراتژی توسعه طلبانه ترکیه با چشم انداز امپراتوری عثمانی جدید و جاه‌طلبی‌های سیری‌ناپذیر اردوغان و نیز فراتر از اندازه و توانایی گروه‌های ریز و درشت تکفیری مانند «هیات تحریر الشام» و «جبهه فتح الشام» و «جبهه انصار الدین» و «جیش السنه» و «لواء الحق» و «حرکه نورالدین ذنگی» و «صقور الشام» و «جیش المجاهدین» و «حراس الدین» و ... است که امروزه در قالب «هیات احرار الشام» سازماندهی شده‌اند.

گفته می‌شود ۱۲۰ گروه کوچک و بزرگ تکفیری در سوریه فعال بوده و هستند. منتها بر حسب شرایط رنگ عوض کرده‌اند. در مرحله نخست جنگ داخلی سوریه از ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶ بیش از ۳۰۰ هزار نفر افراد تروریست یا وابسته و پیوسته به جماعت‌های تکفیری به سوریه آمدند. هدف ساقط کردن حکومت بشار اسد بود. مطلبی که اوپاما و کامرون نخست‌وزیر انگلستان و رئیس‌جمهور فرانسه و اردوغان با صراحت مطرح می‌کردند: این جمله بود: «بشار اسد باید برود». پروژه سقوط نظام اسد و رفتن او و تجزیه سوریه به نتیجه نرسید. سردار شهید قاسم سلیمانی و نیروی قدس سپاه در متوقف کردن آن پروژه نقش تاریخی ایفا کردند. اما متأسفانه با باقی ماندن جبهه النصره در ادلب بر اساس پیمان آستانه بین روسیه و ترکیه و ایران به عنوان تضمین‌کنندگان صلح، در واقع امر با تسلط جبهه النصره و عملاً ترکیه بر ادلب استخوان لای زخم باقی ماند.

اگر به اخبار ادلب توجه کرده باشید می‌بینید جبهه النصره از پرچم ترکیه عکس‌های اردوغان در دفاتر خود استفاده می‌کند. در ادلب لیر ترکیه به عنوان پول متداول در بازار مالی و اقتصادی استفاده می‌شود. در این هفت سالی که از پیمان آستانه گذشت ترکیه پایگاه‌ها و زمینه نفوذ خود را در شمال غربی سوریه افزایش داده است. البته در غارت منابع ملی سوریه مثل غارت صنایع و انتقال کارخانه‌ها و دزدی نفت هر چه توانسته انجام داده است.

مرحله جدید تهاجم هیات احرار الشام که در واقع سازماندهی مهمترین گروه‌های تکفیری در این جماعت است، تروریست‌های تکفیری که با سازماندهی نو و تجهیزات مدرن و امکانات مالی در جبهه اول و فعال شدن تلویزیون الجزیره به عنوان رسانه اصلی و حضور کارشناسان اوکراینی در آموزش تروریست‌ها، در حقیقت ما شاهد موج جدید و بی‌سابقه‌ای از سازماندهی عملیات نظامی در یورش به حلب بودیم.

بلافاصله پس از اعلام آتش بس در لبنان نتانیاهو سوریه را تهدید کرد. درست در ساعت شروع آتش بس در ساعت ۴ صبح به وقت لبنان در روز ۲۷ نوامبر و در همان روز وزارت خارجه ترکیه بیانیه‌ای منتشر کرد و از آتش بس استقبال کرد. درست در همان روز و بلکه در همان ساعت هیات احرار الشام به فرماندهی جولانی یعنی به فرماندهی دستگاه اطلاعاتی/نظامی ترکیه به حلب حمله کرد. بدیهی است که این حمله با هماهنگی آمریکا، ناتو، اسرائیل و ترکیه و قطر و احتمالاً کشورهای عربی منطقه انجام شده است.

در واقع ترکیه در سناریوی تغییر خاورمیانه، متناسب با منافع خود هم به اشغال بخشی از سرزمین سوریه ادامه داده است و هم در صدد اشغال مناطق جدیدی از سوریه بر آمده است. برانداختن نظام حکومت در سوریه و تجزیه سوریه سناریوی آمریکایی اسرائیلی و ترکی است. آن را در حد مطامع ترکیه و یا گروه‌های تکفیری تقلیل ندهیم. کارگردان و بازیگردان آمریکا و ناتو است.

چرا حزب‌الله توانست ولی اسد نتوانست؟

بیشترین فشار ممکن بر حزب‌الله وارد شد. رمز بقای حزب اما همان مثلث طلایی ارتش - ملت - مقاومت بود و هست. از ابتدای جنگ لبنان نیز علاوه بر پایداری و استقامت سازمان مقاومت، حمایت مردم از حزب‌الله و پذیرش آوارگان جنوب و همچنین عدم بازی ارتش در یازل دشمن، باعث شد تا مقاومت لبنان از نبرد فوق سربلند خارج شود.

این سه ضلع اما دقیقاً مواردی بود که اسد را سرنگون کرد. نه مردمی حمایت می‌کردند، نه ارتشی اساساً گلوله‌ای شلیک کرد و نه مقاومت به دلایل متعدد به طور کامل در کنار دمشق قرار گرفت. این نشان می‌دهد که حزب‌الله به خوبی به مثلث تاریخی پی برد و البته یکی از دلایل آتش‌بس نیز حفظ این مثلث طلایی بود.

تبریک به قهرمانان مقاومت!

مرضیه هاشمی

دوست دارم به مردم سوریه تبریک بگم. حتی به اونهایی که از سقوط دولتشان خوشحال شدن. آخه دوران خیلی سختی داشتن این مردم از آشوب، ترور، و تحریم‌های فلج‌کننده آمریکا ...

میخوام تبریک بگم حرکت بخشی از ملت سوریه رو با امید داشتن دمکراسی. ولی خب ستم زیاد و یادمه چطور آمریکا به بهانه نجات افغانستان از کمونیسم، طالبان رو تجهیز کرد و بعد از طالبان هم بیست سال افغانستان رو اشغال کرد، به مرکز کشت هرویین دنیا تبدیل کرد، شکنجه‌گاه بگرام رو ساخت و کلی جنایت جنگی دیگه که دیوان بین‌المللی اجازه تحقیق درباره اش رو نداره ...

میخوام تبریک بگم آزادی سوریه رو از "دیکتاتوری". اما دقیق اخبار رو دنبال کرده ام اون زمان که بعد از "آزادسازی" عراق و پایین کشیدن مجسمه صدام، آمریکایی‌ها عراق رو بمباران شیمیایی کردن، مرکز شکنجه ابوغریب رو ساختن، و نظامیانی مثل بلک واتر آوردن که کلی قتل و تجاوز دسته جمعی انجام داد

دوست دارم کنار سوری‌های مخالف اسد شادی کنم. اما یاد مخالفین قذافی میفتم که به چشم دیدن بمبارون کشورشون توسط نیروهای ناتو رو بعد از خلع سلاح شدن دیکتاتور. و حالا جلوی چشمشون تو روز روشن برده فروشی میشه و آمریکا با خیال راحت از نبود یک قدرت مستقل بهترین نفت سبک دنیا در لیبی رو غارت میکنه

والبته شاید قشری از سوری‌ها که مستقیم قربانی نمیشن ازین بعد کمتر اخبار تاسف بار مملکت رو بشنون. چون وقتی آمریکایی‌ها و مزدورانشون صاحب جایی باشن، رسانه‌ها به ندرت بدبختی‌های مردم و جنایتهای حاکمانشون رو پوشش میدن

در هر صورت فقط میتونم به همه ملت سوریه تسلیت بگم. چه اونهایی که میدونن چه بلایی سرشون اومده، و چه اونهایی که خواهند فهمید.

تنها شیر مردهایی امروز شایسته تبریکن که بزرگترین فداکاری‌ها رو انجام دادن، نه برای حفظ اسد که برای رضای خدا و نجات خلق خدا از همه بازوهای تروریستی غرب از صهیونیسم گرفته تا داعش. و تبریک بزرگتر به شیرزانی که پسران و همسران عزیزشون رو راهی این مسیر مقدس کردن. امروز که مردم منطقه طعم تلخ معامله با آمریکا و اس-را-ئیل رو میچشن، برنده فقط کسانی هستن که با خدا معامله کردن.

مثقال ذره‌ای از اعمالشون تلف نخواهد شد

و پاداش این معامله قطعا بهشته

پس هزاران تبریک به قهرمانان مقاومت!

درباره سوریه چه می‌دانیم؟

۷. نسبت به صحابه بغض دارند؛ و ابوبکر و عمر و عثمان را لعنت می‌کنند؛ و آنها را جزو محرمات الهی می‌دانند.

۸. این فرقه معتقد به اسرار باطنی برای عقاید است؛ و خودشان را عالم به اسرار نهان می‌پندارند؛

۹. اعتقاد دارند که امام حسین (علیه‌السلام) در روز عاشورا،

کشته نشده، بلکه مانند مسیح، کسی شبیه امام حسین (علیه‌السلام) مشبه شد؛ و به جای امام حسین (علیه‌السلام) کشته شد؛ و امام حسین (علیه‌السلام) به آسمان رفت!

اهل سنت سوریه که غالبشان اموی هستند؛ بشار اسد و خاندان اسد که حکومت را به دست دارند؛ را از لحاظ اعتقادی و سیاسی مهدور الدم می‌دانند؛ و معتقدند که حرم‌هایی مانند حرم حضرت زینب (سلام الله علیها) باید نابود شود؛ و حق حاکمیت بر سرزمین سوری باید از آن اکثریت (اهل سنت) باشد؛ نه از اقلیت (۱۳ درصدی علوی).

معتقدند که خاندان اسد، حق ۷۵ درصدی مردم سوریه را مصادره کرده است؛ و هرطوری شده باید این خاندان حذف شوند!

اینکه می‌بینید مردم عربی از جمله فلسطینی‌ها از حمله به حلب اظهار خوشحالی می‌کنند؛ از این منظر عقیدتی و سیاسی ببینید؛ که خاندان اسد، کافر هستند؛ و علی‌الهی هستند!

اهل سنت اموی سوریه، در گذشته توسط امپراطوری عثمانی و حالا توسط ترکیه پشتیبانی می‌شوند؛ و اهل سنت شافعی کرد هم مخالف ترکیه هستند.

طبیعی است که خاندان اسد با این پیشینه تاریخی و مذهبی، با حکومت‌های عربی متفاوت باشد؛ به انقلاب اسلامی ایران بخاطر شیعه بودن احساس نزدیکی کند؛ و در دوران جنگ هشت ساله عراق بر علیه ایران، در کنار ایران باشد؛ و دشمن اسرائیل باشد؛ و جامعه عربی و حکومت‌های عربی از حکومت بشار اسد ناخوشی نداشته باشند.

تعالی فرجه الشریف) شد؛ و بعد از این مدعی ربوبیت شد؛ و به اباحه‌گری روی آورد.

بعداز نمیری، حسین بن حمدان حبیبی (صاحب کتاب هدایه الکبری) است؛ که این فرقه راسازماندهی کرد؛ و قبرش در حلب است؛ که در سال ۹۱ توسط ارتش آزاد سوریه تخریب شد.

تفکر نصیری، مخلوط شیعه و مسیحیت و ایران پیش از اسلام است؛ معتقدند که خدا ذات یگانه‌ای است؛ مرکب از سه اصل جداناپذیر، بنامهای: «معنی»، «اسم»، «باب».

این سه گانگی به نوبت در انبیا متجلی شده است؛ و آخرین تجسم با ظهور اسلام مصادف شده، و آن ذات یگانه در تثلیث در وجود علی، محمد و سلمان فارسی تجسم یافت.

بدین سبب تثلیث مزبور را با حروف عمس (ع - م - س) معرفی می‌نمودند؛ که اشاره به حروف اول سه اسم علی، محمد و سلمان است.

اعمال و مناسک نصیری این موارد است:

۱. نماز در پنج نوبت به جا می‌آورند؛ که در تعداد رکعات باهم تفاوت دارند؛ در حالی که سجده ندارد؛ اما کاری شبیه رکوع در آن وجود دارد.

۲. نماز جمعه ندارند؛ و وضوء و تحصیل طهارت برای رفع جنابت قبل از نماز ندارند.

۳. مسجد نداشته، بلکه نمازهایشان را در خانه انجام می‌دهند؛ و به همراه نماز اعمال خرافی نیز انجام می‌دهند.

۴. حج را قبول ندارند؛ بلکه رفتن به حج را کفر و عبادت بت می‌پندارند.

۵. زکات را قبول نداشته و خمس اموال خود را به مشایخ و رؤساء فرقه تحویل می‌دهند.

۶. روزه نزد ایشان دوری جستن از زنان در طول ماه رمضان است.

باقت مذهبی جمعیت سوریه به این شرح است: ۷۴ درصد اهل سنت، ۱۳ درصد علوی نصیری، ۲ درصد شیعه امامی و اسماعیلی، ۳ درصد دروزی،

۷ درصد مسیحی، و ۱ درصد یهودی و ایزدی هستند.

اهل سنت در سوریه با سایر کشورها مثل عربستان و مصر متفاوت است.

اهل سنت سوریه به دویبخش است: اکثریت: اموی، و اقلیت: شافعی(گرد)

دمشق، مهد تفکر عثمانی اموی است؛ و سالها مرکز حکومت معاویه و بنی امیه بوده است.

برای همین اهل سنت سوریه با ریشه اموی و بصورت صدها گروهک رشد کرده است.

تفاوتشان با سایر اهل سنت عربستان و مصر این است که، [امام] علی را اصلاً جزو خلفا نمی‌دانند؛ معتقدند خلفا به این ترتیب است:

۱. ابوبکر، عمر، عثمان، معاویه، یزید و ...

۲. نسبت به اهل بیت و بنی‌هاشم بغض و کینه دارند.

بخاطر همین اغلب اهل سنت سوریه، ناصبی هستند.

علوی نصیری که خاندان اسد و بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه از آن هستند؛ فرقه تاریخی غالی هستند؛ که در زمان حضرت امام حسن عسکری (علیه‌السلام)، شخصی به نام محمد نمیری است؛

که از اصحاب امام حسن عسکری (علیه‌السلام) معرفی شده، و بعد از شهادت ایشان مدعی وکالت و نیابت از امام زمان (عجل

الله تعالی فرجه الشریف) شد. ولی به دلیل ابراز عقاید الحادی چون تناسخ و غلوآمیز با نامه امام حسن عسکری (علیه‌السلام)

رسوا شد. سپس ادعا نمود که او فرستاده خداوند است؛ و از جانب حضرت امام هادی (علیه‌السلام) فرستاده شده است؛ و منکر امامت امام حسن عسکری (علیه‌السلام) و امام زمان (عجل الله

عجل الله

بلوک بندی اقتصاد جهانی و پایان رویای جهانی سازی



وزیر اقتصاد آلمان، روبرت هایک، هیچ گونه توهمی در مورد این نظم اقتصادی جدید ندارد. او در میانه ماه اکتبر در یک همایش ژنو-اقتصادی گفت: «۵۰ درصد از رشد اقتصادی ما از تجارت بین‌المللی ناشی می‌شود.» او اضافه کرد: «در چین، این رقم فقط ۲۰ درصد است.»

چین در معرض خطر جدی قرار دارد

فولکس‌واگن شاهد کاهش ۱۰ درصدی فروش خود در چین بوده است؛ بی‌امو با کاهش ۴ درصدی روبه‌رو شده و مرسدس-بنز هشدار سود صادر کرده است.

در سال‌های گذشته، رشد تولید ناخالص داخلی چین توسط ساخت‌وساز در سراسر کشور روبه‌جلو برده می‌شد. فرودگاه‌های جدید، بزرگراه‌ها و خطوط قطار سریع‌السیر. صدها هزار برج مسکونی و آپارتمان ساخته شد که با قرض گرفتن پول تأمین مالی می‌شد. با تمام بخش ساخت‌وساز مسکونی، آن دوران به پایان رسیده است. از آن زمان، رهبری حاکمیت در پکن در تلاش بوده است تولید صنعتی را برای رسیدن به هدف رشد ۵ درصدی دولت تحریک کند. نتیجه آن، انبوهی از کالاهای مصرفی است.

نتیجه این است که چین اکنون بیش از هر زمان دیگری کالاهای خود را به خارج از کشور صادر می‌کند. در اروپا، این روند به‌ویژه در حوزه خودروهای برقی احساس شده است. شرکت‌های چینی که از بارانه‌های دولتی حمایت می‌شوند، قادر به عرضه خودروهای الکتریکی به‌قدری ارزان هستند که کمپانی‌های اروپا اخیراً چاره‌ای جز اعمال تعرفه‌های حمایتی ندیده است.

چین می‌خواهد دنیا را وابسته به خود کند ولی خودش مستقل

بماند

رهبری چین تصمیم گرفته بود تجارت خود را با سایر نقاط جهان کاهش دهد. در طول همه‌گیری کرونا، رئیس‌جمهور چین استراتژی دو گردش خود را ارائه داد که گامی به سمت خودکفایی کشور بود. طبق برنامه پنج‌ساله فعلی، هفت حوزه کلیدی قرار است از سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه در تحقیق و توسعه بهره‌مند شوند.

این استراتژی پیش‌بینی می‌کند که تجارت بین‌المللی تنها نقش حمایتی ایفا کند. به نظر می‌رسد دیدگاه شی این باشد که جهان باید به اقتصاد چین وابسته باشد، اما چین می‌خواهد بدون نیاز به جهان موفق شود.

برای مدیران آلمانی، که از موفقیت‌های اخیر خود لذت برده‌اند، این تغییرات، سخت قابل پذیرش بوده است. آن‌ها برای دهه‌ها به‌طور عمده به ژئوپولیتیک بی‌توجه بودند. لایه‌های فدراسیون صنایع آلمان از مدیران اجرایی بزرگ‌تر و دوراندیش‌تر بودند. در ژانویه ۲۰۱۹، این فدراسیون، مقاله‌ای قابل توجه ارائه داد که در آن مطرح شده بود اروپا باید اصلاحاتی انجام دهد تا با چین همگام شود. این مقاله به «رقابت سیستمی» بین اقتصادهای بازار اجتماعی آزاد در اروپا و «اقتصاد دولتی محور چین» پرداخته بود. این دیدگاه که تقریباً شش سال پیش منتشر شد، تقریباً یک دیدگاه جنجالی بود.

دولت آلمان تا تابستان ۲۰۲۳ زمان نیاز داشت تا استراتژی خود را برای چین تدوین کند. اینک، دولت آلمان نیز چین را به‌عنوان «رقیب سیستمی» می‌بیند، وضعیتی که مدت‌هاست موجب درد و رنج شرکت‌های اروپایی شده است.

ایالات متحده - شریک یا رقیب؟

صرف‌نظر از اینکه در آمریکا چه کسی رئیس‌جمهور باشد، جنگ تجاری بین ایالات متحده و چین ادامه خواهد یافت. این خبر خوبی برای اروپا نیست.

این ترامپ بود که در دوران ریاست‌جمهوری اول خود، چین را به خاطر از دست رفتن صدها هزار شغل صنعتی پردرآمد در ایالات متحده آن هم به دلیل بسته شدن کارخانه‌های فولاد و خودروسازی، مقصر دانست.

جو بایدن این روند را ادامه داد و حتی تعرفه‌های وضع شده توسط ترامپ را به محصولات دیگری مانند خودروهای الکتریکی ساخت چین گسترش داد. او قصد داشت شبکه اجتماعی تیک‌تاک،

چین و ایالات متحده در حال منزوی کردن اقتصادهای خود هستند؛ این دو کشور از صنایع خود با میلیاردها دلار یارانه حمایت می‌کنند. اقتصاد جهانی در حال تغییر است. آیا اقتصاد آلمان بین این دو بلوک خرد خواهد شد؟ صنعت داخلی آلمان با انتخاب‌های سختی روبه‌رو است.

ورود به خودروهای الکتریکی برای فورد در ایالات متحده بسیار راحت‌تر از آنچه که انتظار می‌رفت، پیش رفته است. به گفته مدیر کارخانه، کامیون الکتریکی F-۱۵۰ نه تنها دقیقاً مشابه مدل‌های سوخت فسیلی خود است، بلکه هواداران بیشتری را نیز به خود جلب کرده است. فورد پیش‌بینی خود را برای امسال مبنی بر سود عملیاتی حدود ۱۰ میلیارد دلار تأیید کرده است که تفاوت قابل توجهی با وضعیت در آلمان است و سود سه‌ماهه سوم فولکس‌واگن ۶۴ درصد کاهش یافته است.

در ایالات متحده، برنامه‌های محرک اقتصادی برای محصولات دوستدار محیط زیست در حال اجراست. در مقابل، در آلمان، ائتلاف حاکم تحت رهبری صدراعظم اولاف شولتس هنوز درگیر اختلافاتی بر سر سیاست اقتصادی صحیح است.

نظم جهانی در حال تغییر است

صنعت خودرویی که روزگاری در ایالات متحده با مشکلاتی مواجه بود، اکنون به طور کامل در حال بازیابی است. این در حالی است که آمار فروش برندهای آلمانی در حال سقوط است. بزرگترین کاهش هم در بازاری به نام چین رخ داده است که در دهه‌های اخیر باعث رشد آن‌ها شده است.

ایالات متحده و چین در حال گسترش صنایع خود و منزوی کردن خود از بقیه جهان هستند. آمریکایی‌ها سعی دارند بر بازار داخلی وسیع خود تمرکز کنند. چینی‌ها نیز در حال گسترش کنترل خود بر منابع طبیعی و فناوری‌های کلیدی هستند و دنیا را با محصولات داخلی خود که یک ویژگی اصلی یعنی «ارزان بودن» دارند، پر می‌کنند.

به نظر می‌رسد دوران جهانی‌سازی که همواره در حال گسترش بود، به پایان رسیده است؛ دوره‌ای که در آن تولید بر اساس این باور بود که تجارت بین‌المللی به نفع همه شرکت‌کنندگان خواهد بود. در دوران جهانی‌سازی، هدف اصلی کارآمدتر شدن و تولید ارزان‌تر بود. حالا هر کسی به دنبال منافع خود است. طبق گفته صندوق بین‌المللی پول (IMF)، شکل‌گیری بلوک‌های اقتصادی می‌تواند منجر به کاهش ۲-۳ درصدی تولید ناخالص جهانی در هر سال شود.

ریسک‌زدایی و «هم‌گرایی» در تجارت جهانی

روند این موضوع در ایالات متحده با تعرفه‌هایی آغاز شد که رئیس‌جمهور وقت، دونالد ترامپ، بر روی فولاد و آلومینیوم وارداتی وضع کرد. در کمپین فعلی، او مجدداً تهدید کرده است که تعرفه‌هایی را این بار بر روی محصولات وارداتی از چین، مکزیک و سایر نقاط جهان اعمال خواهد کرد.

اتحادیه اروپا نیز در همین حال، تعرفه‌های بازدارنده بر روی خودروهای الکتریکی ارزان قیمت از چین وضع کرده است تا از تولیدکنندگان اروپایی حمایت کند. این تصمیم به ضرر خودروسازان اروپایی و آمریکایی که در چین خودرو می‌سازند و به خارج صادر می‌کنند نیز می‌شود.

آن‌هایی که به دنبال امنیت هستند، گزینه دیگری جز بازگرداندن تولید به داخل یا واردات محصولات از کشورهای متحد، ندارند. روندی که به نام «هم‌گرایی» شناخته می‌شود. شرکت‌هایی که دیگر نمی‌خواهند به مواد خام ارزان قیمت از چین وابسته باشند، اکنون باید به دنبال منابع دیگر برای کاهش ریسک بگردند. این رویکرد نیز در زبان کسب‌وکار «ریسک‌زدایی» نام گرفته است.

بسته‌شدن درهای بازار بین‌المللی روی آلمان

وزش‌های اقتصادی نسبتاً شدید به شدت بر مدیران آلمانی تأثیر گذاشته است. طبق نظرسنجی سالانه‌ای که اتاق بازرگانی و صنایع آلمان (DIHK) از اعضای خود انجام داده است، حدود ۶۱ درصد از مدیران آلمانی اعلام کرده‌اند که با موانعی در تجارت بین‌المللی خود مواجه هستند. این درصد در سال ۲۰۱۳ تنها ۳۴ درصد بود. روندی که شرکت‌های آلمانی تجربه کرده‌اند، در تعداد محدودیت‌های تجاری که در سراسر جهان اعمال شده، منعکس می‌شود.



فعالیت‌های نامولد و سودهای کوتاه‌مدت!

پول و نقدینگی خود را در کجا سرمایه‌گذاری کنیم که بیشترین سود را کسب کنیم؟ این، یکی از پرسش‌هایی است که همیشه ذهن دارندگان نقدینگی را مشغول کرده است. پاسخ به این پرسش اگر در چارچوب ملاحظات اقتصاد کلان باشد، می‌تواند نجات‌بخش شود و چنانچه صرفاً در چارچوب منافع فردی تعریف شود، امکان ورشکستگی همه اقتصاد را فراهم می‌کند.

سرمایه‌گذاری در بازارهای نامولد، مانند طلا و دلار اگرچه ممکن است سودهایی را در کوتاه‌مدت ایجاد کند؛ اما در بلندمدت اثرات منفی بر کل اقتصاد خواهد گذاشت و فرزندان و نسل‌های بعدی را با چالش‌های کلان اقتصادی مواجه می‌کند. ضمن اینکه منطبق با فرهنگ ایرانی - اسلامی ما، برکت و رشد جامعه در تلاش و سعی نهفته است، نه در فعالیت‌هایی که ارزش اقتصادی ندارند. لازم است به ابعاد فرهنگی تولید و رشد اقتصادی با نگاه به ذهنیت‌های فردی و اجتماعی توجه کرد و نسبت به تقویت فرهنگ سهم‌آفرینی در رشد اقتصادی کشور به‌جای نگاه سهم‌خواهی حساس بود.

مردم ما باید مسئولیت خود را در اقتصاد بپذیرند و با رفتار اقتصادی صحیح تقویت‌کننده زیرساخت اجتماعی برای حمایت و پشتیبانی تولید و مانع‌زدایی از آن باشند. اما بخش مهم‌تر این آسیب‌شناسی، ترک فعل‌ها در حکمرانی اقتصادی است. بالاخره انسان‌ها غالباً منفعت‌طلب و ریسک‌گریز هستند. وقتی فعالیت‌های نامولد بدون محدودیت و موانع، سود بیشتری از تولید داشته باشند و تورم به معنای کاهش ارزش پول ملی، به صورت مزمن اقتصاد را فرا گرفته، مشارکت مردمی به جای حرکت به سمت تولید، به سمت فعالیت‌های نامولد حرکت می‌کند.

بنابراین، دولت باید تلاش کند در گام اول هر چه سریع‌تر تورم را در سطوح حداقل قرار دهد و سپس با ابزارهایی که در اختیار دارد، مانند مالیات و رصد معاملات سوداگرایانه، رقیب فعالیت‌های تولیدی در کشور به شدت تضعیف شود و فعالیت‌های فاقد ارزش، پرهزینه شوند تا زمینه حضور مردم در تولید ایجاد شود.

بنابراین، مهار تورم با فعالیت‌های فاقد ارزش اقتصادی ارتباط مستقیم دارند و دولت و مردم باید در این زمینه احساس مسئولیت کنند. چه اینکه در اقتصاد ایران، حجم نقدینگی کمتر از بسیاری از کشورهای توسعه یافته است، اما آزادی کامل فعالیت‌های سفته‌بازانه و به تبع اینها هجوم نقدینگی به فعالیت‌های نامولد، از عوامل تورم‌های بالا در اقتصاد است.



اعطای تسهیلات بلاعوض آمریکا

جهت کنترل فرسایش خاک

آژانس خدمات کشاورزی آمریکا ماه میلادی گذشته اعلام کرد که بنا به تصویب‌نامه کنگره آمریکا برای حمایت از مراکز و زمین‌های کشاورزی اعم از خصوصی و دولتی، بودجه‌ای به مبلغ ۲ میلیارد دلار را صرف حفاظت از مراکز، پایش کیفیت آب و شبکه ایمنی محصولات کشاورزی تولید شده اختصاص خواهد داد.

این برنامه برای حمایت از کشاورزان در مقابل حوادث احتمالی و مصون ماندن بازار از نوسانات قیمتی است.

متعلق به شرکت چینی بایت‌دانس، را به دلیل مسائل امنیت ملی فیلتر کند. این شاید واضح‌ترین پیام او به پکن باشد که ایالات متحده حتی در مورد یک اپلیکیشن بسیار محبوب نیز متوقف نخواهد شد.

همچنین رئیس‌جمهور آمریکا صدها میلیون دلار به صنعت ایالات متحده از طریق قانون کاهش تورم پمپاژ کرده و تأسیس کارخانه‌های چیپ و باتری را گسترش داده است. همچنین مشوق‌هایی به تولیدکنندگان خودرو، شرکت‌های معدنی و فناوری نیز ارائه شده است. در حال حاضر، ایالات متحده در حال عمل کردن به‌عنوان جابجایی اقتصادی جهانی است و حتی با ارائه مزایای مالیاتی عظیم، سرمایه‌گذاری‌های اروپایی را به سمت خود جذب می‌کند.

خداحافظی آمریکا با جهانی‌سازی

از زمان پاندمی کرونا، اقتصاد ایالات متحده سریع‌تر از بیشتر اقتصادهای صنعتی دیگر نظیر آلمان رشد کرده است. بیکاری به ندرت این‌قدر پایین بوده و تولید ناخالص داخلی این کشور هرگز به این حد بالا، نرسیده است.

روز به روز بیشتر فناوری‌ها به‌عنوان مسائلی مرتبط با امنیت ملی اعلام می‌شوند و صادرات برخی ماشین‌آلات و محصولات به چین ممنوع شده است. شرکت‌های آمریکایی تنها کسانی نیستند که تحت تأثیر قرار گرفته‌اند. ژنو-اقتصاددان اشمرک هشدار می‌دهد: «آمریکایی‌ها همچنین شرکت‌های کشورهای متحد از جمله شرکت‌های اروپایی را مجبور به پیروی می‌کنند.»

دولت ایالات متحده به تازگی اعلام کرده است که خودروهای جدیدی که با فناوری چین کار می‌کنند، از سال ۲۰۲۷ دیگر اجازه ورود به جاده‌های آمریکایی را نخواهند داشت. اگر ایالات متحده و چین برای شرکت‌های آلمانی جذابیت کمتری پیدا کنند و بیشتر به سمت بسته شدن پیش روند، این شرکت‌ها باید به دنبال بازارهای جدید بگردند. چرا آلمان نباید با متحدان باقی‌مانده‌اش در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین همکاری کند تا جان تازه‌ای به تجارت ترجیحی بدهد؟

گسترش نفوذ چین به حیاط خلوت آمریکا

چین در حال پیگیری یک برنامه هفتمند برای تقویت روابط با کشورهای آمریکای لاتین و آسیا است. مدیران آلمانی تنها می‌توانند با تعجب نظاره‌گر باشند. این بازی ژئوپولیتیک و اقعاً بزرگ است و در آینده شاید حتی درباره جنگ و صلح باشد. در ایالات متحده، حرکات بزرگترین رقیب این کشور، یعنی جمهوری خلق چین در آمریکای لاتین نگرانی‌هایی به وجود آورده است. شرکت‌های چینی ارتباط نزدیکی با دولت دارند و تصمیمات سرمایه‌گذاری تحت تأثیر ملاحظات استراتژیک و سیاست خارجی قرار دارند. در دوران جهانی‌سازی، چنین ملاحظات استراتژیکی نقش زیادی نداشتند. اما اکنون، اقتصاددان آمریکایی، اوری دادوش، می‌نویسد: «تاریخ به ما می‌آموزد که تنش‌های تجاری می‌توانند پیش‌درآمد و بهانه‌ای برای جنگ‌های واقعی باشند.»

در جریان بازدید از برزیل، نماینده تجاری ایالات متحده به میزبان خود هشدار داد که به ابتکار «کمربند و جاده» چین نپیوندد. این موضوع یادآور دوران جنگ سرد است که کشورهای مختلف تحت فشار قرار می‌گرفتند تا یکی از دو طرف را انتخاب کنند. (منبع: اشپیگل)

دلایل اقتصادی سقوط بشار اسد

توجه به هیچ کدام از سایر ابعاد سیاسی، اجتماعی، امنیتی و اقتصادی سوریه، با اهدافی مثل «کاهش مخارج دولت، چابک‌سازی دولت، توزیع عادلانه!! یارانه و ...» و دقیقاً با همین واژگان، بشار اسد را به سمت حذف سیاست‌های رفاه عمومی در سوریه بردند.

حذف یارانه‌ها شروع شد، سوخت و نان گران شد، حمایت دولت از تولید کالاهای اساسی غذایی و کشاورزی شدیداً کاهش پیدا کرد، سوریه به واردکننده بسیاری از همین کالاهای تبدیل شد. نظام بیمه عمومی عملاً لغو شد و بیمارستانهای دولتی به سمت خصوصی شدن رفتند و هزینه درمان سر به فلک کشید. حتی حوزه آموزش هم به سمت خصوصی شدن

پیش رفت تا جاییکه از مهدکودک تا دانشگاه را شامل میشد. اما نه دولت چابک شد، نه بخش خصوصی توسعه یافت، نه درآمد سرانه رشد کرد، نه بهره‌وری و توسعه به صرفه شد و نه هیچکدام از درهای آرمان شهر توهمی آن اقتصادخوان‌های مشاور بشار اسد باز شد.

رسانه‌های دولتی سوریه هم با تریبون دادن به این جریان، ناخواسته سقوط را تسریع کردند. نتیجه: انهدام سرمایه‌اجتماعی اسد و شروع و توسعه ناامنی‌های گاه و بیگاه از شمال و جنوب سوریه. این عاقبت حتمی هر دولتی است که حکمرانی را به دست «اقتصادخوان‌های سیاست‌ندان» و بلاگرها بدهد.

جنگ‌نمایش خانگی با خانواده‌ها؛ این بار عادی‌سازی مصرف الکل!

سید کمیل حسینی - راضیه کشاورزملکی



پژوهشگر حوزه آسیب‌های اجتماعی افزود: یک نکته مهم در این نوع طرز فکر وجود دارد و آن این است که یک رسانه دارای پیام‌های آشکار و دارای پیام‌های پنهان است. پیام آشکار در یک سریال ممکن است این باشد که مصرف الکل مضر است و عوارض دارد اما در پیام پنهان این موضوع در ناخودآگاه مخاطب شکل می‌گیرد که برای آرامش پیدا کردن، کم شدن استرس و عصبانیت از الکل می‌توان استفاده کرد و مصرف الکل برای لذت است. این خود یک دلیل برای افزایش مصرف الکل در جامعه خواهد بود.

■ نباید معضلات اجتماعی را علنی نمایش دهیم

وی اظهار داشت: ممکن است بعضی از فیلم‌سازان تفکر دیگری داشته باشند و بگویند این بخشی از واقعیت جامعه است و باید نشان داده شود. این استدلال مناسبی برای ساخت چنین فیلم‌هایی کافی نیست. لزومی ندارد که برای واقعی ساختن و ملموس بودن یک فیلم عین همان معضلات را به طور علنی در صحنه‌های فیلم جای دهیم. حسینی ادامه داد: گاهی اوقات علنی کردن یک سری از معضلات اجتماعی خود یک مجوز برای انجام آن رفتار ناسالم در جامعه خواهد شد. باید این نکته را گفت که بعضی نشر ندادن برخی آسیب‌ها، از نشر دادنش آسیب کمتری را به جامعه وارد می‌کند. این به معنای بی تفاوتی نسبت به آن معضل اجتماعی نیست اما راه حل درست کردن آن معضل هم این روش نخواهد بود.

■ الکل نباید در رسانه دیده شود

پژوهشگر حوزه آسیب‌های اجتماعی راهکار کاهش یافتن مصرف الکل را اینگونه توضیح داد: الکل نباید در رسانه دیده شود. اگر در رسانه به صورت علنی دیده شود از این طریق بار ارزشی و وجهه اجتماعی پیدا خواهد کرد و مخاطب فکر می‌کند این یک راه حل برای برطرف کردن مشکلات زندگی و به آرامش رسیدن است. وی اظهار داشت: راه مقابله با چنین محتوایی این است که رسانه‌های دیگری محتوایی تولید کنند که اشاره به عوارض و مضرات الکل برای مخاطبین داشته باشد. همچنین داشتن یک برنامه درست برای پیشگیری، آموزش و آگاهی یکی از ملزومات برای کاهش پیدا کردن الکل در جامعه است. حسینی اذعان کرد: به همین سبب باید برای محتوایی که از نمایش خانگی پخش می‌شود یک قاعده و قانون گذاشت و باید از یک فیلتر رد شوند تا نتوانند هر محتوایی را برای مخاطب تولید کنند. وی خاطر نشان کرد: گاهی اوقات بعضی افراد می‌گویند ایران اگر

شبکه‌های سریال سازی نمایش خانگی فعالانه در حال کار و تولید سریال‌های مختلف با چاشنی خشونت و ابتذال است. از آنجا که ظاهراً مسئولان و ناظران رسانه سر در برف کرده‌اند و نمایش خانگی گاهی ابتذال را با طعم خشونت و گاهی هم با چاشنی طنز و هیجان به خورد خانواده‌ها می‌دهد. برخی تولیدات این شبکه‌ها به قدری نازل و آلوده به ابتذال است که نمی‌توان در جمع خانواده آنها را تماشا کرد.

تا چندی پیش شاهد سیگار کشیدن مستمر مردها در این فیلم و سریال‌ها بودیم و آهسته آهسته زست سیگار کشیدن برای جذب مخاطب به زنان هم کشیده شد تا جایی که نمایش سیگار کشیدن زنان در سریال‌ها عادی شد غافل از اینکه این روند ممکن است منجر به عادی سازی این رفتار ناسالم شود. وقتی یک شخصیت محبوب و قابل احترام در حال سیگار کشیدن به تصویر کشیده می‌شود، این رفتار به تدریج به‌عنوان یک عادت عادی و قابل قبول در ذهن بینندگان جای می‌گیرد. به‌ویژه، تأثیر این نمایش‌ها بر زنان و دختران جوان که در جستجوی هویت و الگوهای رفتاری هستند، نگران کننده است. روایت‌های زنان مختلف نشان می‌دهد که نمایش سیگار کشیدن زنان تأثیرات متفاوتی بر آن‌ها داشته است. از تغییر نگرش نسبت به سیگار کشیدن تا نگرانی‌های خانوادگی و تأثیرات بر فرزندان، این صحنه‌ها می‌توانند پیامدهای منفی زیادی داشته باشند. اما در برنامه‌های جدید نمایش خانگی شاهد عادی سازی مصرف مشروبات الکلی هستیم، چندی پیش بود که مسمومیت و مرگ عده‌ای بر اثر مشروبات الکلی خبرساز شد. تحت تأثیر قرار گرفتن افراد جامعه خصوصاً نوجوانان از هنجارشکنی‌ها و قبح‌زدایی و عادی سازی آشکار سریال‌های شبکه نمایش خانگی نمی‌توان نادیده گرفت و نمی‌توان اثرات مخرب این رهایی و بی‌فیدی محصولات نمایشی پلتفرم‌ها را انکار کرد.

■ عادی سازی مصرف الکل در نمایش خانگی

سید کمیل حسینی جامعه شناس و پژوهشگر حوزه آسیب‌های اجتماعی در گفتگو با خبرنگار مهر مطرح کرد: امروزه تبلیغ و عادی سازی مصرف الکل در نمایش خانگی را بین مخاطبان شاهد هستیم. این روند دلایل مختلفی را شامل می‌شود. حسینی ادامه داد: گاهی اوقات کسانی که کار رسانه انجام می‌دهند به یک سری نکات و ریزه‌کاری‌ها دقت نمی‌کنند. با فرض اینکه معیار این نوع نقض قانون و عادی سازی کردن در سریال‌های نمایش خانگی برای بیان و معرفی یک شخصیت خبیث است که الکل مصرف می‌کند. برای این مورد استدلالی وجود دارد که سازنده می‌گوید من الکل را تبلیغ و مخاطب را تشویق به مصرف الکل نکرده‌ام بلکه برای بیان آن کاراکتر منفی از الکل استفاده کردم.



اجرای ارکسترهای سمفونیک دولتی در همه شهرهای ایران

امین غفاری

برنامه موسیقایی «ارغنون» رادیو گفت‌وگو در رابطه با وضعیت ارکسترهای ایرانی با امین غفاری آهنگ‌ساز، مدرس و ویولونیست به گفتگو پرداخت.

غفاری در پاسخ به این پرسش که آیا ارکسترهای ایرانی قابل مقایسه با ارکسترهای خارجی هستند یا خیر گفت: ما معمولاً فعالیت‌ها و توانایی‌های نوازندگان داخل کشور را دست کم می‌گیریم. بنده با ارکسترهای مختلفی در دنیا کار کردم و با صراحت می‌گویم ۷۰ درصد از نوازندگان سازه‌های زهی در ایران چیزی از نوازندگان ارکسترهای بزرگ دنیا کم ندارند و اگر مدیریت و سرپرستی درستی بالای سر نوازندگان ایرانی باشند قطع به یقین به خوبی می‌درخشند و در دنیا حرف برای گفتن خواهند داشت.

وی افزود: اگرچه ما هنوز خیلی جای کار داریم که به ارکسترهای حرفه‌ای دنیا برسیم؛ اما به‌طور کلی از ارکسترهای دنیا چیز خاصی کم نداریم و می‌توانیم نقاط ضعف خود را خیلی سریع برطرف کنیم.

آهنگ‌ساز برجسته کشورمان ظرفیت و پتانسیل ارکسترهای ایرانی را بسیار قوی دانست و در عین حال تأکید کرد: ما در انتخاب افراد به‌عنوان رهبر و سرپرست ارکستر خیلی باید دقت به خرج دهیم و افراد قوی و حرفه‌ای را انتخاب کنیم. وی ادامه داد: انتخاب رهبر ارکستر تا حدی مهم است که اگر فرد ضعیفی باشد می‌تواند کیفیت اجرای یک ارکستر را به زیر نصف برساند و اگر قوی باشد تا دو برابر کیفیت ارکستر را افزایش خواهد داد؛ چون وظیفه رهبر صرفاً حس و حال دادن به کار نوازندگی نیست؛ بلکه با نظم دهی و تمرین دهی و بیان مسائل برای نوازندگان می‌تواند در کیفیت بخشی به ارکستر تأثیر گذار باشد.

غفاری در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو، مهم‌ترین علت تفاوت کیفیت اجرای ارکسترها را در انتخاب رهبر ارکستر و مدیریت هنری ارکستر دانست و تصریح کرد: ما در ایران نوازندگان مشتری داریم که در ارکسترهای مختلف شرکت می‌کنند؛ اما کیفیت اجرای ارکسترها متفاوت است و دلیلش هم مدیریت رهبر ارکستر و در واقع سطح سواد و نظم‌دهی است که رهبر ارکستر به نوازندگان تزریق می‌کند.

این ویولونیست افزود: همان‌طور که بزرگان موسیقی کشورمان همچون علی رهبری و شهردار روحانی، اسم ایران را در مجامع بین‌المللی با کیفیت نگه داشتند امروز نیز رسالت هنرمندان در مجامع بین‌المللی این است که از نام کشورمان ایران محافظت کنند.

آهنگ‌ساز برجسته کشورمان تنوع و گستره ارکسترهای ایرانی را یک مزیت دانست و گفت: اینکه تعداد ارکسترها در کشورمان زیاد شده اتفاق بسیار مثبتی است؛ اما ای کاش علاوه بر ارکسترهای خصوصی، در هر یک از شهرهای کشورمان و حداقل در استان‌ها یک ارکستر سمفونیک دولتی نیز داشته باشیم.

وی معتقد است که اجرای ارکسترهای سمفونیک دولتی در شهرهای مختلف کشورمان هزینه آن‌چنانی برای دولت ندارد؛ اما به لحاظ اعتباری و بالابردن سطح فرهنگ شهرها بسیار تأثیر گذار است.

غفاری افزود: امروز هر شخصی از طریق فضای مجازی می‌تواند استاندارد ارکستر را در دنیا مشاهده کند و سطح خود را ارتقا دهد.

این نوازنده ویولن همچنین در بخش دیگر برنامه به نقش مهم دانشگاه در زمینه ارکستر اشاره کرد و گفت: برای مثال دانشگاه علمی‌کارپردی ارکستر و کنسرت‌های خیلی خوبی برگزار می‌کند؛ اما دانشگاه تهران با اینکه واحد ارکستر هم دارد فعالیت رسمی و زیادی در زمینه اجرا ندارد. وی افزود: دانشگاه تهران و دانشگاه هنر که دانشگاه‌های معتبری هستند باید ارکسترهای دانشگاهی داشته باشند.

غفاری با اشاره به اینکه اعتبار هر مسابقه به داوران و سطح علمی و مهارتی شرکت‌کنندگان و حتی جایزه آن برمی‌گردد گفت: ما هم باید مسابقات معتبری را با مدیریت مدون و منابع مالی کافی در کشورمان برگزار کنیم.

نهادهای دولتی به آثار غیر کمدی استاندارد ورود کنند

سجاد نوروزی



اساطیر ما توجه می‌کردند الان شاهد این وضعیت نبودیم.

نوروزی معتقد است که وقتی آثار کمدی توسط شبکه‌های تلویزیونی کشورمان تبلیغ نمی‌شوند عملاً مرجعیت آثار هنری و سرگرمی به خارج از کشور هدایت می‌شود. وی با اشاره به اینکه هزینه تولید فیلم‌های غیر کمدی به شدت بالا رفته است گفت: در حال حاضر کف هزینه برای تولید فیلم غیر کمدی نزدیک به ۵۰ میلیارد تومان است.

مدیر پردیس سینما آزادی از تعداد کم سالن‌های سینما در ایران انتقاد و تصریح کرد: اشتباه ما در سینمای ایران این است که می‌خواهیم در حوزه تولید و توزیع و تبلیغات چرخ را دوباره اختراع کنیم و از تجربیات جهانی درس نمی‌گیریم.

نوروزی با بیان اینکه شیوه‌های ارکان فیلم در ایران مندرس و مربوط به دهه هفتاد است گفت: ما با شیوه ارکان مربوط به دهه هفتاد و فاقد تبلیغات نمی‌توانیم موفق عمل کنیم و محکوم به شکست هستیم.

آنچه که توقع داشت را از فیلم نگرفت و تبلیغات سینه‌به‌سینه بین مخاطبان اتفاق نیفتاد فروش این فیلم متوقف شد.

این سینمادار افزود: اگر تنوع ژانر در حالت استاندارد رعایت شود و فیلم‌های باکیفیت و خوبی در ژانرهای غیر کمدی داشته باشیم مطمئناً استقبال وسیعی از فیلم‌ها صورت خواهد گرفت.

نوروزی همچنین در پاسخ به پرسش دیگری مبنی بر اینکه آیا در ترکیب فیلم‌هایی که امسال به نمایش درآمدند به دست‌بندی خاصی رسیدید گفت: بله، ما این دست‌بندی را داریم و قبلاً هم یک کار پژوهشی با جامعه آماری نزدیک به ۲۷ هزار نفر انجام دادیم و به یک دست‌بندی رسیدیم. نکته جالب اینکه یکی از ژانرهای پرتیرا در بین مخاطبان سینما آزادی ژانر دفاع مقدس است که ما اینکه فیلم‌های دفاع مقدسی مانند «موقعیت مهدی» و حتی «قلب رقه» در سینما آزادی مخاطب خوبی پیدا کرد. وی با تذکر این نکته که ژانر غیر کمدی در همه دنیا متکی بر ارتباط وسیع با ادبیات داستانی و اقتباس است اظهار کرد: متأسفانه این ارتباط در ایران منهدم شده و اساساً چنین چیزی در ایران نداریم و یکی از دلایل کم‌رونقی ژانر غیر کمدی هم این است که همه فیلم‌ها در یک بازه زمانی از هم تقلید کردند و مخاطب هم آن‌ها را پس زد.

مدیر پردیس سینما آزادی از ضرورت ورود جدی نهادهای دولتی به آثار غیر کمدی درست و استاندارد به‌عنوان راهکار فوری برای علاج بی ژانری سخن گفت و افزود: اگر نهادهای دولتی به‌جای پول‌هایی که طی سالیان گذشته در سینما هدر دادند و فیلم‌های بی مخاطب ساختند به اقتباس و هویت و

سجاد نوروزی مدیر پردیس سینما آزادی در مصاحبه با برنامه «سینما زاویه» رادیو گفت‌وگو در پاسخ به این پرسش که آیا سینمادارها تمایلی به نمایش فیلم‌های غیر کمدی ندارند گفت: ما در شرایط فعلی اساساً فیلم غیر کمدی نداریم. هم اکنون سه چهار فیلم کودک و نوجوان و پویانمایی، سه فیلم کمدی و تعداد محدودی فیلم غیر کمدی اکران می‌شود که صاحبان این آثار غیر کمدی هم دل به اکران‌های دوهفته‌ای داشتند و صرفاً برای خالی نبودن عریضه فیلم‌ها را اکران کردند و قصدشان اکران بلندمدت نبود.

وی افزود: از ابتدای امسال فقط یک فیلم غیر کمدی «بی بدن» توانست اقبال مخاطب را بگیرد که اگر تمهیداتی برای اکران آن فراهم می‌شد قطعاً فروش بیشتری داشت.

مدیر پردیس سینما آزادی با اشاره به اینکه سه فیلم جدی و غیر کمدی به نام «متری شش و نیم»، «شبی که ماه کامل شد» و «سرخ‌پوست» در سال ۱۳۹۸ و قبل از کرونا با رعایت استانداردهای حرفه‌ای و کیفی در فیلمنامه تولید شدند اظهار کرد: این سه فیلم غیر کمدی روی‌هم‌رفته با بلیت ۲۰ هزار تومانی ۸۰ میلیارد تومان فروش داشتند و علت اینکه الان ما در سال ۱۴۰۳، ادعا داریم ۷۷ درصد فروش سینما مربوط به فیلم‌های کمدی است این است که اساساً فیلم غیر کمدی تولید نشده است.

وی متذکر شد: ما امسال فیلم کمدی غیراستاندارد بدون فروش هم زیاد داشتیم؛ مانند فیلم «قیف» که صرفاً به‌خاطر حضور بازیگر شاخصی چون رضا عطاران در دو هفته تا یک عددی فروخت؛ اما بعد از آن از گردونه اکران خارج شد. به عبارتی، ذائقه مخاطب تغییر نکرده و اثری نیست که بتواند این جای خالی را برای مخاطب پر کند.

نوروزی با اشاره به فروش ۱۲۰ میلیارد تومانی فیلم «مست عشق» فقط طی یک ماه اکران گفت: به دلیل اینکه مخاطب



آیابحران‌های سیاسی،

مراحل گذار به بلوغ ملت‌ها هستند؟

از سوریه و لیبی تا انقلاب اسلامی ایران: آیا بحران‌های سیاسی، مراحل گذار به بلوغ ملت‌ها هستند؟

این در روز بازار گمانه‌زنی‌های مختلف در مورد آینده سوریه باغه داغه، این وسط اما به سوالي که ذهن حقیق رو به خودش مشغول کرده این هست که: به فرض این که گروه‌های جدید در ایجاد یکپارچگی سیاسی، توفیقی نداشته باشن و اوضاع بدتر بشه و شرایطی مشابه با شرایط لیبی رو بخوایم در سوریه شاهد باشیم

آیا نمیشه ماجرا رو از این زاویه دید که تبدیل وضعیت سوریه به وضعیتی مشابه با لیبی، خودش نوعی وضعیت گذار برای جامعه سوریه هست؟

یک قدم برگردیم عقب، آیا نمیشه همین ادعا رو در مورد لیبی هم مطرح کرد و گفت وضعیت کنونی شون، یک مرحله لاجرم از بلوغ سیاسی-اجتماعی ملت لیبی برای کشف و استقرار یک منطق ساختاری کارآمدتر و مردمی‌تر از آنچه تاحالا تجربه کردن، هستش؟

اینجا شاید این نکته در ذهن برجسته بشه که خب ما با اراده خالص ملت سوریه یا لیبی مواجه نیستیم و بخش اعظمی از زمین بازی داره براساس اراده قدرت‌های خارجی که از چندپاره بودن لیبی و سوریه نفع می‌برن، سر و شکل پیدا می‌کنه

در مواجهه با نکته فوق، این مسئله به ذهن حقیق می‌رسه که خب وقتی بیش زمینه هویتی و ساختاری این ملل، ضعیف هست و بخش بزرگی از آنچه هم که قدرت اونا به حساب میاد به موجودیت دیکتاتوری‌ها و گروه‌های تمامیت‌خواه گره خورده، خب در ظاهر چاره‌ای جز این نیست که شما وقتی می‌خوای از دست دیکتاتور و تبعات ناشی از حضورش در کشور، رها بشی، باید ریسک افتادن در دامن اراده قدرت‌های خارجی رو هم قبول کنی و بدونی تبدیل جامعه‌ی تو به یک جامعه‌ی یکپارچه و متحد زیر پرچم یک حاکمیت واحد و مردمی، امری تدریجی و زمان بر هست که با تکیه بر آزمون و خطاهای متعدد و بعضاً پرهزینه حاصل میشه و به بخشی از این آزمون و خطا، ریسک چندپارگی اجتماعی در گام‌های اولیه و ماهیگیری دولت‌های خارجی از اون هست

این جا باز شاید تجربه انقلاب اسلامی ایران در ذهن برجسته بشه و این که در دوره پس‌انقلاب با نوعی انسجام نسبتاً فراگیر حول ایده جمهوری اسلامی مواجه هستیم و همین انسجام باعث شد تا فعالیت‌های تجزیه‌طلبانه، با اراده‌ی ملی ناشی از این انسجام، سرکوب بشه و این نکته، این سوال رو در ذهن برجسته میکنه که چرا انقلاب اسلامی با ویژگی‌های مذکور در مورد انقلاب‌های سیاسی مواجه نبود؟

در مواجهه با این سوال باز این نکته به ذهن حقیق می‌رسه که: انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی، خودش یک پدیده‌ی متکی به یک تجربه‌ی تاریخی دویست تا سیصد ساله است که دست بر قضا موارد مشابه با این چندپارگی‌ها رو هم از سر گذرانده و اتفاقاً همین چندپارگی‌ها تجربیاتی رو در حافظه تاریخی و هویتی ملت ما انباشته کرده که به پشتوانه اون تونسته گام به گام مطالبات خودش رو از ساختار سیاسی مستقر ارتقا بده و به واسطه اون، تنوعات فرهنگی مستقر رو به یک شبه همگرایی نسبتاً قابل توجه نزدیک‌کنه

در امتداد سوالات فوق و به فرض درستی پیش‌فرض‌های مطرح شده در پاسخ به اونا، سوال نهایی که ذهن رو درگیر می‌کنه این هست که در تمام سال‌های تعامل جمهوری اسلامی با حکومت بشار اسد، این تعامل تا چه حد از تعاملات نظامی فراتر رفته و از پیوسته‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی برخوردار بوده تا به واسطه اون، جمهوری اسلامی با جامعه سوری پیوند هویتی پیدا کنه و این جامعه در مواجهه با چالش‌های احتمالی برای روزهایی نظیر امروز که در دوره گذار از حاکمیت یک دیکتاتوری، به سر می‌بره، به جمهوری اسلامی نه به چشم یکی از مسببین استقرار دیکتاتور بلکه به چشم یکی از راه‌حل‌های گذار کم هزینه از دام اون نگاه کنه؟

در واقع ما چه قدر تونستیم اون تجربه سیصد ساله منجر شونده به پدیده‌ی خارق‌العاده‌ی انقلاب اسلامی رو در قالب یک واکنش هویتی-سیاسی بازطراحی کنیم و اون رو با ملل تهنه‌ای نظیر لیبی و مصر و سوریه به اشتراک بذاریم تا نه به وضعیت شکننده روابط این روزهایمان با ملل عرب دچار باشیم و نه اینچنین مجبور باشیم برای تامین منافع جبهه حق، دامنمان را پای موجودیت دیکتاتورمنش حاکمیت قبلی سوریه، آلوده کنیم؟

حضرت فاطمه (س) به واسطه ایمان عمیقش به خدا الگویی برای همیشه تاریخ است

محمدعابدی

خبیر گزارى مهر با حجت الاسلام و المسلمین محمد عابدی عضو هیأت علمی گروه قرآن پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به گفتگو پرداخته است تا با سیره بانوی دو عالم آشنا شویم در ادامه حاصل آن را می‌خوانید:

مهم‌ترین ویژگی حضرت زهرا (س) که عصاره پیام قرآن نیز هست ایمان به خدا است؛ ابتدا در خصوص ایمان به خدا صحبت بفرمائید:

ستون اصلی خیمه اسلام، پذیرش خدا و ایمان به اوست و واژه «الله» دو هزار و هفتصد و دو بار در قرآن مجید آمده است. در آیات مختلف خدا معرفی می‌شود، مانند خدا بی همتاست، هیچ معبودی جز او نیست، آفریدگار همه چیز است، حافظ و نگهبان بر همه اشیاست، به هر چیزی داناست، حمد مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است، حاکمیت و مالکیت جهان هستی به دست اوست و او بر هر چیز تواناست، بر کارش توانا و پیروز است، زنده می‌کند و می‌میراند و زندگی و مرگ به دست اوست یا آمده هر که در آسمان‌ها و زمین هست حاجت خود را از او می‌خواهند، او هر روز در کار به خصوصی است.» و صدها معرفی و توصیف دیگر.

ایمان واقعی و حقیقی باید چه جلوه‌هایی داشته باشد؟

نکته کلیدی این است که انسان هم باید به خدا ایمان داشته باشد و هم باید مطابق آن ایمان، خدا را تنها در قلب و زبان نگه ندارد؛ بلکه در زندگی اش به خدا میدان بدهد و مطابق خواست او زندگی کند؛ خدا را به خانه و کارخانه و بازار و اقتصاد و سیاست و فرهنگ و... هم بیاورد؛ این بدان معناست که کارکرد ایمان قلبی به خدا این است که در عمل و میدان‌های زندگی هم تعاملات انسان بر مدار امر و نهی خدا باشد. و عمل مومنانه، فقط از کسی بر می‌آید که مؤمن به خدا باشد. خداوند در سوره «والعصر» همه انسان‌ها را در زبان و خسران می‌بیند جز کسانی که در درجه اول، ایمان دارند و سپس عمل صالح و از حق دفاع می‌کنند و به صبر توصیه می‌نمایند؛ «وَالْعَصْرَ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ».

لگوهای هنر تداوم ایمان از قلب تا عمل در قرآن کدام است؟ خداوند در قرآن از دهها نمونه یاد می‌کند که در هنر «تداوم ایمان از قلب تا عمل» را داشته‌اند. از زنان می‌توان به زن فرعون اشاره کرد. خداوند در آیه ۱۱ تحریم می‌فرماید: وَصَرَّبَ اللهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ اِنِّی لَی عِندَکَ بَیِّنَاتٌ فِی الْجَنَّةِ وَتَجَنَّبَیْ مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِہِ وَ تَجَنَّبَیْ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِیْنَ؛ «و خداوند برای کسانی که ایمان آورده‌اند، به همسر فرعون مثل زده است. آن گاه که گفت: پروردگارا! برای من نزد خویش در بهشت خانه‌ای بساز و مرا از فرعون و کردار او نجات بده و مرا از گروه ستمگر رهایی بخش».

آسیه مگر چه کرد که توانست مثل و الگو برای مؤمنان شود؟

بر اساس برخی آیات، آسیه با آن که در دربار فرعون می‌زیست اما به خداوند ایمان داشت؛ وقتی معجزه عصای حضرت موسی را دید به او ایمان آورد. او ایمان خود را از فرعون پنهان نگاه می‌داشت و هنگامی که فرعون از ایمان او آگاه شد، از او خواست تا از پرستش خدا دست بردارد، اما آسیه نپذیرفت و فرعون او را شکنجه کرد و دستور داد دست و پای او را به میخ‌هایی بسته، بدنش را در آفتاب قرار داده و سنگ بزرگی بر سر او فرود آورند که در اثر همین شکنجه‌ها، کشته شد. اتفاقی که افتاد این بود که وقتی آسیه به خدای موسی ایمان آورد، عملش نیز مطابق ایمانش شد، یعنی در عمل نیز نشان داد که خدا را به خدایی می‌پذیرد و حضرت موسی را به نبوت قبول می‌کند و هر فرمان و دستوری و هر عملی که مخالف خواست خدا باشد را رد می‌کند حتی اگر به قیمت جانش تمام شود.

چرا حضرت فاطمه (س) الگوی عمل مومنانه برای همیشه تاریخ است؟

چرا که به پیامبر و دین او و خدای قرآن ایمان آورده است و در تمام دوره حیات خود به لازمه ایمان؛ یعنی عمل پایبند بوده است. هم در محدوده خانه؛ هم در گستره جامعه؛ هم در رابطه خود با خانواده؛ هم رابطه‌اش با مردم و هم در رابطه‌اش با حکومت، تمام اعمال و کارهای حضرت مطابق ایمانش به خدا و وعده‌ها و تدبیرهای الهی است.

از مهمترین هنرهای بندگی حضرت فاطمه این است که خدا را به خانه آورده است. خیلی‌ها هستند که در جامعه نماد ایمان هستند ولی در خانه و خلوت خود کافر به خدا هستند. اینان کسانی هستند که در منطق قرآن منافق نام می‌گیرند. یعنی حتی در جامعه نیز مؤمن واقعی نیستند و تجارشان، قانون گذاریشان؛ قضاوتشان؛ حکومت کردنشان، فکر و خیالشان و... همه و همه در لایه واقعی خلاف خواست و رضایت خداست. اما حضرت فاطمه چنین نیست. در هر عرصه‌ای که ردی از فاطمه در تاریخ مانده می‌توان نشانه‌هایی بودن و عمل طبق رضایت خدا را دید.

یعنی خانه حضرت فاطمه، محضر همیشگی خداست.

بله دقیقاً. خدا همیشه در خانه فاطمه (س) حاضر است، یعنی حضرت فاطمه هر لحظه و در هر مناسبت و کاری خدا را به خانه اش می‌کشاند، چون این چنین حس حضور دائمی خدا در منزل، لازمه ایمان کامل فاطمه به خدایی است که بر هر کاری قدرت مطلق دارد؛ در همه جا حضور دارد؛ آشکار و پنهان را می‌داند؛ خالق و نابود کننده و زند کننده و میراننده هر چیزی است؛ بدون اذن او اتفاقی نمی‌تواند بیفتد؛ در عین رحمت و محبت؛ دارای غضب و خشم و انتقام و حسابرسی دقیق است و...

پس حس حضور خدا در خانه فاطمه (س) سبب می‌شد ایشان با شرم از در خواست معیشتی خارج از توان از همسر نخواهد؟

درست است. زمانی حضرت علی (ع) به خانه آمد و از همسرش فاطمه (س) غذایی خواست. فاطمه فرمود: دو روز است چیزی نداریم. حضرت پرسید: چرا نگفتی تا تهیه کنم؟ عرض کرد: یا اَبَاالحَسَنِ! اِنِّی لَاسْتَحِیْی مِنْ اِلهِی اَنْ اُکَلِّفَ نَفْسَکَ مَا لَا تَقْدِرُ عَلَیْہِ. من از پروردگار شرم دارم که تو را به سختی بیندازی که توان بر آوردنش را نداشته باشی.

خدا را می‌توان در عمل فرهنگی فاطمه (ص) نیز مشاهده کرد و یا توجه به خدا انگیزه ایثار به مراجعان به خانه فاطمه نیز باید مورد توجه قرار گیرد چرا که آیه ۸ سوره انسان «و یطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیماً و اسیراً انما نطعمکم لوجه الله لا نرید منکم جزاء و لا شکوراً» زمانی نازل شد که به گفته اکثر مورخان، محدثان و مفسران شیعه و اهل سنت، حضرت علی، فاطمه (س)، حسن و حسین (ع) در ماه ذیحجه به خاطر ندزی که کرده بودند سه روز روزه گرفتند. روز اول هنگام افطار مقدار نانی را که برای افطاری تهیه کرده بودند، به فقیری که در خانه را زد و تقاضای غذا کرد، دادند، روز دوم به یتیم و روز سوم به اسیر و به این ترتیب سه روز را فقط با آب روزه گرفتند. نکته مهم این است که این ایثار به تصریح آیه «لوجه الله» به خاطر خدا بود. یعنی آثار هم که یک عمل انسانی و اخلاقی است باید در مدار خواست خدا و رضایت خدا باشد. به کسی باشد و به نوعی باشد و از چیزی باشد که خدا می‌خواهد.

همین حس حضور سبب شده بود اهالی منزل شاهد توزیع عادلانه مسئولیت‌های خانه بین خود و کارکنان خانه باشند؛ بنابراین خدا حتی در زندگی خصوصی حضرت فاطمه در تقسیم کارها با خادمان و کارکنان منزل هم حضور دارد و ایمانش صرفاً در محدوده اعتقاد و زندان قلب و مناسک مذهبی خاص و گوشه مسجد و خواندن نماز نیست. حضرت با سن کم و طی کمتر از ده سال زندگی مشترک با امیرمؤمنان (ع) صاحب ۶ فرزند



(حسن و امام حسین (ع) و محسن که ۶ ماهه سقط شد و زینب کبری، زینب صغری یا ام‌کلثوم و سکینه) شد و شرایط سختی در آن دوران آغازین اسلام در مدینه داشت تا اینکه تصمیمی گرفتند کمک کاری داشته باشند. به تناسب فرهنگ آن زمان که کنیزها به عنوان سازوکار کمک به مردم بودند، آنها هم صاحب کنیزی به نام فضا شدند که انصافاً شخصیت عجیبی هم داشت و من در کتاب فضا هم‌راز زهرا (س) به بخشی از شخصیت وی اشاره کرده‌ام. در هر حال فضا خادم این خانواده بود، اما پبینه‌پند عدالتی که خداوند در قرآن به آن دستور می‌دهد «إِنَّ اللّٰهَ یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» چطور در خانه فاطمه حضور دارد. حضرت زهرا (س) کارها را تقسیم کرد به این صورت که یک روز حضرت کار کند و فضا به کارهای خودش برسد و روز بعد برعکس.

خداوند زمانی هم که کسی برای استفاده علمی و معرفتی به خانه فاطمه می‌آمد حضور داشت یعنی فاطمه در نحوه تعامل با این افراد نیز مطابق خواست الهی عمل می‌کرد، روایت شده است که بانویی به محضر حضرت آمد و عرض کرد مادر ناتوانی دارم که درباره نماز به احکام و مسائل آن ناآگاه است، مرا نزد شما فرستاده، تا آن احکام را از شما بی‌رسم. حضرت فرمود: بپرس. او ده سوال پشت سر هم پرسید و پاسخ آنها را دریافت کرد ولی دیگر از سوال کردن خجالت کشید و اظهار کرد که بیش از این شما را زحمت نمی‌دهم. حالا بر خورد فاطمه (س) را ببینید! حضرت بازهم پای خدا را وسط می‌کشد و توجه به پاداش الهی، معیار پاسخ و نوع برخورد فاطمه با او می‌شود و می‌فرماید: آنچه نمی‌دانی بپرس آیا شخصی را می‌شناسی که در برابر صد هزار دینار اجیر شود که فقط یک روز بار سنگینی را بالای بام ببرد و اظهار خستگی کند؟ او عرض کرد: نه. فاطمه فرمود: من نیز در پیشگاه خداوند اجیر شده‌ام که در برابر هر مسأله‌ای که می‌پرسی و به تو پاسخ می‌دهم، پاداش بسیار بگیرم که اگر بین زمین تا عرش را پر از گوهر ناب کنند و به من بدهند، باز ارزش آن پاداش، بیشتر است و بعد هم فرمود از پدرم رسول خدا (ص) فرمود: علمای شیعه ما در قیامت به مقدار علمشان و به اندازه تلاششان در راهنمایی مردم پاداش می‌برند.

می‌بینید که در همه ابعاد زندگی فاطمه در محدوده خانه خودش و رد همه روابط از همسرداری تا همسایه داری از تعامل با کارکنان منزل تا مراجعان علمی و معیشتی در همه و همه فاطمه میدان را مناسب می‌بیند که آن گونه که خدا می‌خواهد رفتار کند. این یعنی ایمان به خدا. ایمان به خدا فقط نباید در قلب بماند یا فقط در عبادات مناسکی فردی و جمعی خود را نشان بدهد که این هم خیلی مهم است ولی ایمان زمانی که در عرصه حیات خانوادگی و اجتماعی خود را نشان دهد در قالب عمل صالح ظاهر می‌شود و این عمل صالح فرد فرد انسان‌های مؤمن است که وقتی جمع می‌شود، جامعه ایمانی را شکل می‌دهد. اگر هر خانه که کوچک‌ترین واحد اجتماعی است بر مدار ایمان به خدا اداره بشود شاهد آن خواهیم بود که جامعه نیز بر مدار ایمان به خدا، اداره می‌شود. مشکل این است که به جای توجه به تربیت توحیدی خانواده، خانواده را بی سرپرست و در هیاهوی مشکلات اقتصادی و فرهنگی و رسانه‌ای رها کرده‌ایم و انتظار داریم با اینکه در واحدهای اجتماعی جو کاشته‌ایم، در واحد کشوری گندم اعلی درو کنیم.

چالش اصلی ما: حجاب یا قانون‌گریزی؟

توجه به حجاب از منظر قانون است و این‌که فراتر از بحث حجاب، جامعه ما با اصل قانون‌پذیری مشکل دارد.

یعنی چه؟ یعنی فرض کنید همین مسئله حجاب را بخواهند برعکس کنند و در قانون الزام به آزادی پوشش را بگنجانند. آیا فکر می‌کنید جامعه ما با این الزام کنار می‌آید؟ اینجا ممکن است گفته شود که قشر مذهبی و انقلابی که امروز پای قانون حجاب ایستاده، فردا هم در برابر الزام به آزادی پوشش خواهد ایستاد و این طبیعی است. باید دید اکثریت جامعه چه نظری دارند.

اتفاقاً نکته همین جاست! بر اساس مشاهده‌های محدود و سطحی حقیر، مسئله اصلی بخش بزرگی از جامعه، نه حجاب است و نه بی‌حجابی؛ بلکه مشکلشان با محدود شدن زندگی روزمره‌شان در چارچوب قوانین تحمیل شده از جانب ساختار حاکمیت است. امروز با الزام به حجاب مشکل دارند، و اگر روزی قانون الزام به آزادی پوشش بیاید، باز هم اعتراض خواهند کرد. نکته مهم این است که وقتی از «حاکمیت» صحبت می‌کنیم،

منظورمان چیزی فراتر از جمهوری اسلامی است. مسئله اصلی این است که جامعه ما هنوز تجربه استقرار یک ساختار سیاسی-اجتماعی پایدار را ندارد؛ ساختاری که بتواند همگرایی پایداری میان اقشار مختلف جامعه ایجاد کند. جامعه‌ای که فارغ از این‌که قانون به نفعشان باشد یا به ضررشان، پای آن بایستند و حرمت قانون را بر سلیقه شخصی ترجیح دهند.

اگر این بحث را ببینیم، تازه به نقطه صفر می‌رسیم؛ اساساً ذهنیت جامعه ایرانی از حکمرانی و قانون چیست که این گونه قانون‌گریز شده است؟ و چگونه می‌توان این ذهنیت را به سمت قانون‌پذیری و همگرایی بیشتر سوق داد؟ آیا این سوال ذهن اندیشمندان ما را مشغول کرده است، یا آنان نیز مانند بسیاری دیگر درگیر بازی فرسایشی دلانان سیاسی و رسانه‌ای بر سر مسائل جزئی و بی‌حاصل شده‌اند؟ مسائلی که قرار نیست حل شوند، چون اگر حل شوند، کارکرد اصلی‌شان یعنی بازی با ذهن مردم را از دست خواهند داد...

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد جواد اهووی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس: طه اهووی | گرافیک و صفحه آرا: سارا کولیوند
روابط عمومی: جهانگیر توسلی | ناظر هنری: محمدرضا مهدیانی
تلفن: ۰۲۱۸۱۶۵۲۵۱۸ - ۰۹۹۳۳۱۴۱۳۴ | آگهی‌ها: ۰۲۱۸۱۶۵۲۵۱۸
نشانی: بلوار کشاورز - خیابان عبدالته زاده - کوچه زیبا - پلاک ۴۴ - واحد ۴
چاپ: صمیم - ۴۴۵۸۲۸۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



نهادهای دولتی به آثار غیر کمدی استاندار در ورود کنند

یکی از دلایل کمرونقی ژانر غیر کمدی هم این است که همه فیلم‌ها در یک بازه زمانی از هم تقلید کردند و مخاطب هم آن‌ها را پس زد.
ما با شیوه اکران مربوط به دهه هفتاد و فاقد تبلیغات نمی‌توانیم موفق عمل کنیم و محکوم به شکست هستیم.

1

جنگ نمایش خانگی با خانواده‌ها؛ این بار عادی سازی مصرف الکل!

الکل نباید در رسانه دیده شود. اگر در رسانه به صورت علنی دیده شود از این طریق بار ارزشی و وجهه اجتماعی پیدا خواهد کرد و مخاطب فکر می‌کند این یک راه حل برای برطرف کردن مشکلات زندگی و به آرامش رسیدن است.

1

خدا بر تک تک اعمال آگاه است...

و حتی ذره‌ای از کارها نپسندد
بر خدا پنهان نیست

(سوره یونس آیه ۶۱)

در حال انتخاب سرمربی تیم ملی امید هستیم

دراگان اسکوچیچ

مهدی تاج بعد از جلسه تخصصی وزارت ورزش و فدراسیون فوتبال که مصوب شد اختیارات تیم ملی فوتبال امید به فدراسیون فوتبال واگذار شود، اظهار کرد:
تیم ملی امید با همکاری کمیته ملی المپیک کامل در اختیار فدراسیون فوتبال قرار گرفت. الان هم در حال انتخاب سرمربی تیم ملی امید هستیم.
باشگاه‌های باید انگیزه لازم برای همکاری با تیم ملی امید را داشته باشند. مسئله سربازی بازیکنان هم باید حل شود و تصمیماتی در این زمینه گرفته شده است. الان داریم حلقه اتحاد میان تیم ملی بزرگسالان و تیم ملی امید را ایجاد می‌کنیم که در آینده تیم ملی از بازیکنان تیم ملی امید استفاده کند.



تراکتور ۱۰ نفره در سیرجان صدر را پس گرفت
اسکو انتقام شکست در جام حذفی را از تارتار گرفت!

دراگان اسکوچیچ در نشست خبری بعد از بازی مقابل گل گهر سیرجان، اظهار داشت:
به شاگردانم تبریک می‌گویم در این بازی مهم پیروز شدیم. شرایط در زمین حریف بسیار سخت بود. گل‌گهر کار را برایمان سخت کرده بود. بازیکنان امروز با قلبشان بازی کردند و همیشه نمی‌شود با تاکتیک پیروز شد و گاهی باید با جان و دل کار کرد.

سرمربی تراکتور در خصوص شرایط علیرضا بیرانوند، بیان کرد:
کاش در رختکن ما بودید و می‌دیدید که او به چه شکلی خوشحالی می‌کرد و اشتیاق داشت. بیرانوند صد درصد



آماده است.

اسکوچیچ در خصوص تعویض ترابی پس از اخراج پوستونسکی، ادامه داد:
ترابی جادوی خاص خودش را دارد و باید به او فرصت داده شود. امروز شرایط طوری پیش رفت که به بازیکنی همچون شیر و کیفیت آن نیاز داشتیم.

بازیکنان تراکتور با قلبشان بازی کردند

هیئت مدیره پرسپولیس گاریدو را ابقا کرد



جلسه هیئت مدیره پرسپولیس طبق برنامه روز دوشنبه برگزار شد و اعضای مدیریتی باشگاه پرسپولیس گزارش رضا درویش در مورد اتفاقات باشگاه را مورد بررسی قرار دادند.

مهم‌ترین موضوع این جلسه، مسئله ابقا

یا اخراج کارلوس گاریدو بود که اعضای هیئت مدیره با اکثریت قاطع تصمیم به ادامه کار او گرفتند که نمود این تصمیم در مصاحبه حسین بادامکی هم دیده می‌شود.
نکته مهم اینکه اختیار اضافه کردن آنالیزور برعهده خوان کارلوس گاریدو گذاشته شد تا با توجه به مخالفت او با بازگشت مهرداد خانبان، این موضوع تقریباً منتفی شود.

طنین «فریاد صلح در سکوت» بر بام آسیا

شیوانوروزی



است و کسب مدال طلا تأثیر زیادی در جایگاه کاروان ورزشی کشورها دارد. از این رو تمام تیم‌ها برای افزایش تعداد مدال‌های خود هزینه‌های زیادی صرف می‌کنند.
سرمربی تیم کشتی فرنگی عنوان کرد: «طبق برنامه‌ریزی‌هایی که از سال گذشته انجام داده بودیم، تیم را آماده کردیم و حدود ۵۰ درصد ترکیب تیم ما نسبت به گذشته تغییر کرده بود. از وزن ۵۵ کیلوگرم تا ۱۳۰ کیلوگرم دچار تغییراتی شده بودیم، به همین دلیل نیاز داشتیم نفرات جدید را زیر نظر بگیریم و آنها را ارزیابی کنیم. از آنجایی که در طول سال هیچ تورنمنتی برگزار نشد ما با تشکیل یک گروه در فضای مجازی تمرینات ورزشکاران را دنبال کردیم. طی سه مرحله اردویی که برگزار کردیم، توانستیم پنج جلسه تمرینی برای اعضای تیم ترتیب دهیم. این اردوها در اسلامشهر و لاهیجان برگزار شد و کمک زیادی به ما کرد تا به اهدافمان نزدیک‌تر شویم.»

او در پایان گفت: «مهدی بخشی، کاپیتان تیم و صادق ابوالوفایی در ثانیه‌های پایانی مسابقات عملکرد خوبی داشتند، اما دوم شدند که این موضوع از نظر روحی فشار زیادی بر تیم ما وارد کرد، اما تلاش و زحمت این دو کشتی‌گیر کاملاً برایمان مشهود بود. با اتحاد و همدلی تیم و اعتماد به اعضای آن توانستیم به اهدافمان نزدیک شویم و مدال‌های ارزشمندی کسب کنیم.»

آرمین رحمتی و زینب گلشنی به مدال نقره این دوره از مسابقات دست یافتند. همچنین در بخش امتیازی، تیم ملی شطرنج ایران بالاتر از حریفان خود قرار گرفت و عنوان قهرمانی را به خود اختصاص داد. در کشتی آزاد ایران با کسب چهار طلا، سه نقره و یک مدال برنز قهرمان دهمین دوره بازی‌های آسیایی نانشوایان شد. در رشته جودو مردان نیز ایران با کسب دو طلا، چهار نقره و دو مدال برنز در جایگاه سوم ایستاد.

یزدان اسلامی (رتاب وزنه)، تیم ملی شطرنج چهار نفره، پوریا جمالی (شطرنج)، محدثه غلامی نژاد، فاطمه زهرا زلیکانی، شبنم یاری، نسیم شهبازی و مهدی پوراسماعیل (تکواندو)، امیرحسین زارع (رتاب دیسک)، علی سلحشور، مسعود رستگار (جودو)، احمد رویه، یاشار وقار، مهران سرفراز و مریم عبدی فرد (دوومیدانی)، شهاب رحیمی، محمد بزی، علی کریمی، محمدجواد زراعت‌پیشه و عرفان نجفی (کشتی فرنگی)، عرفان ستاری، محمد محمدی‌سروش، محمد سیاوشی و حمیدرضا کنعانی (کشتی آزاد)، طلایی‌های ایران در این دوره بودند. مرضیه خوش‌احوال و وحید زینعلی (تکواندو)، مهران سرفراز، حسین صداقت و علی علیزاده (دوومیدانی)، مهرداد بداعی، فهیمه عبدی، مصطفی سفیدی و حسین اله‌کریمی (جودو)، صادق ابوالوفایی و مهدی بخشی (کشتی فرنگی)، محمد زارعی، علی شکیبازاده و محمدرسول قنبرپور (کشتی آزاد) و آرمین رحمتی و زینب گلشنی (شطرنج) و تیم ملی فوتبال کشورمان مدال نقره گرفتند و آرمین رحمت‌پور، علیرضا کرمانی، مریم خدابنده، تیم پومسه، زهرا چهره‌عالم، مهران سرفراز، تیم ملی تنیس روی میز، امیرسالار امیری، بهزاد امیری، علیرضا شریفی‌منش، محمدهادی صالحی، مدینه مقدس، سحرسادات حسینی، امیرمحمد پاشاپور، شیرزاد محکی، رضا اسماعیلی، احمد رویه، فریدون توکلی‌نسب و تیم جودو آقایان به مدال برنز دست یافتند.

علی اشکانی، همدلی و برنامه‌ریزی را از عوامل تأثیرگذار در قهرمانی کشتی فرنگی ایران در بازی‌های آسیایی نانشوایان عنوان کرد. سرمربی تیم ملی کشتی فرنگی نانشوایان با تأکید بر این مسئله اظهار داشت: «این بازی‌ها از اهمیت بالایی برخوردار

ورزشکاران نانشوایان ایران مقتدرانه آسیا را به تسخیر خود درآوردند. کاروان ورزش نانشوایان کشورمان یک روز مانده به پایان رقابت‌ها، قهرمانی‌شان را مسجل کردند و با صعودی چهار پله‌ای، ضمن تاریخ‌سازی پیشرفت خود را به رخ همه کشیدند.
دهمین دوره این بازی‌ها روز گذشته با نایب‌قهرمانی تیم ملی فوتبال نانشوایان ایران در مالزی به پایان رسید. کاروان کشورمان با شعار «فریاد صلح در سکوت» به این بازی‌ها اعزام شده بود و خوشبختانه با درخشش ملی‌پوشان اولین قهرمانی ورزش نانشوایان ایران در این رویداد آسیایی به ارمغان آمد.

در بازی‌های ۲۰۲۴، ایران رقابت شانه‌به‌شانه‌ای با چین و کره جنوبی داشت و در نهایت نیز گوی سبقت را از دیگر مدعیان ربود و قهرمانی آسیا را به نام خود ثبت کرد. حاصل تلاش کاروان ۱۵۰ نفره ایران (۷۳ ورزشکار مرد، ۲۳ ورزشکار زن، هشت مربی زن و ۳۰ مربی مرد و سایر عوامل)، کسب ۶۲ مدال خوشترنگ بود؛ ۲۴ طلا، ۱۷ نقره و ۲۱ برنز در حالی از آن ورزشکاران ما در این دوره از بازی‌های آسیایی شد که کره جنوبی و چین هر کدام ۴۷ و ۳۶ مدال به دست آوردند.

در دو دوره گذشته کاروان ورزش نانشوایان ایران دو مقام پنجمی به دست آورده بود و قهرمانی ۲۰۲۴ تاریخ‌سازی بزرگی به حساب می‌آید. فوتبال، کشتی آزاد و فرنگی، بولینگ مردان، تکواندو، تنیس روی میز، جودو، بدمینتون، شطرنج، دوومیدانی زنان و مردان، ۹ رشته‌ای بودند که نمایندگان کشورمان در آن شرکت داشتند.

تیم ملی فوتبال آخرین مدال ایران در مالزی را به چنگ آورد. دیروز و در آخرین روز بازی‌های آسیایی نانشوایان، فینال رقابت‌های فوتبال برگزار شد و ایران و ژاپن برای تصاحب آخرین مدال به جنگ هم رفتند. بارش باران برگزاری مسابقه را به تأخیر انداخت و با لغزندگی زمین کار برای ملی‌پوشان ما سخت شد. در نهایت نیز ژاپن ۳ بر یک ایران را شکست داد و فوتبال‌لیست‌های ما به نقره بسنده کردند.
پیش از فوتبال نیز کشتی آزاد، جودو و شطرنج حداکثر مدال‌ها را به گردن آویختند. در رشته شطرنج، پوریا جمالی در بخش انفرادی موفق به کسب مدال طلا شد و